

هنر به چشم عداوت بزرگتر عیب است گل است سعدی و در چشم دشمنان خار است
نـــــور گیتی فـــــروز چشـــــمه هـــــور زشـــــت باشـــــد به
چشـــــم موشـــــک کور

افغان مینې مارکیت عرضه کوننده انواع مواد خوراکه وطنی

یگانه مغازه افغانی در منطقه واشنگتن بزرگ

که تازه ترین موادخوراکی، میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، وگوشت های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسب تقدیم می کند

6566 Backlick Rd.Springfield. VA
22150
Tel:703-644-0186 Cell:703-499-3313

امریکا متهم به شیوع کرونا در چین !

جهان اگر به همین منوال پیش می رفت، تا چند سال دیگر چین از لحاظ اقتصادی امریکا را در می نوردید، ایتالیا، اروپایی ها را از امریکا دور می کرد و ایران از لحاظ سیاسی، بیشتر کشورهای جهان سومی و حتی متوسط را علیه امریکا می شوراند در حالیکه شمار مبتلایان به ویروس کرونا در سراسر جهان از سیصد هزار نفر گذشته و آمار فوتی ها به بیش از سیزده هزار نفر رسیده است، چینی ها امریکا را به شیوع ویروس کرونا متهم کرده اعلام داشتند که ممکن است ارتش امریکا اپیدمی ویروس کرونا را به ووهان آورده باشد.

ژائو لی جیان سخنگوی وزارت خارجه چین در توییستی خطاب به امریکا نوشت: شفاف باشید، اطلاعات خود را در اختیار عموم قرار دهید امریکا یک توضیح به ما بدهکار است. پیش از این نیز شماری از رسانه های چین از احتمال دست داشتن امریکا در شیوع ویروس کرونا در ووهان خبر داده بودند با این حال سخنگوی وزارت امور خارجه چین به صورت رسمی واشنگتن را به دست داشتن در این موضوع متهم کرد.

سخنگوی وزارت خارجه چین امریکا را فاقد شفافیت عنوان کرد و در ادامه توییت خود نوشت: کرونا چه زمانی در امریکا شروع شد؟ چند نفر آلوده هستند؟ در کدام بیمارستان ها هستند؟ ممکن است ارتش امریکا این بیماری همه گیر را به ووهان آورده باشد. شفاف باشید! داده های خود را عمومی کنید! ایالات متحده توضیحی به ما مدیون است.

اظهارات ژائو در حالی است که «گنگ شوانگ» دیگر سخنگوی وزارت خارجه چین نیز انتقاد برخی مقامات امریکا از تلاش های چین برای کنترل شیوع ویروس کرونا را محکوم کرد و گفت: امیدواریم برخی مقامات امریکا در این مقطع به جای انتقاد از چین، تلاش های خود را بر مقابله با بیماری و سوق دادن همکاری بین المللی متمرکز کنند.

او افزود: امریکا نباید مسوولیت شیوع ویروس کرونا را به گردن چین بیاندازند وتلاشهای مردم چین برای کنترل بیماری را بدنام کناین کار غیر اخلاقی وغیرمسوولانه است و به مهار بیماری در امریکا نیز کمکی نمی کند.

از جانب دیگر، روزنامه آلمانی ولت به نقل از منابع دولتی آلمان نوشت که دونالد ترامپ اصرار شدیدی دارد که امتیاز تولید واکسن حاصل تحقیقات آلمانی ها را به انحصار کشور خود در آورد، اما با افشای این خبر، احتمال موفقیت او بسیار کم است.

از اظهارات سخنگوی وزارت بهداشت آلمان چنین نتیجه گیری می شود که دونالد ترامپ تمایل دارد استفاده از دارو را به انحصار امریکا در بیاورد.

شرکت کورو واک در شهر توپینگن آلمان واقع است. تارنمای یک شبکه رادیو تلویزیونی جنوب غربی آلمان در این مورد گزارش داده : آلمان و امریکا بر سر واکسن کرونا که دانشمندان در توپینگن روی آن تحقیق می کنند دعوا دارند. ترامپ تلاش می کند دانشمندان شرکت دارویی کورواک را که روی واکسن بالقوه ویروس کرونا تحقیق می کنند با پرداخت مبالغی هنگفت به امریکا جلب کند و یا دست کم استفاده انحصاری واکسن در حال تحقیق را برای امریکا تثبیت کند. مقامات آلمانی هم برای جلوگیری از تحقق این هدف می کوشند.

واقعا چه خبر است؟ در حال حاضر فرقی نمی کند که این ویروس از چین شیوع یافته باشد یا ارتش امریکا اپیدمی ویروس کرونا را به ووهان چین برده باشند. آنچه مهم است استفاده های سیاسی و اقتصادی قدرت های بزرگ پس از شیوع این ویروس در جهان می باشد.

در این میان ترامپ که خود یک تاجر کارکشته است، همه دنیا را بازار استفاده اقتصادی خود فرض کرده از هر مساله و موضوع و اپیدمی به دنبال استفاده اقتصادی امریکا است.



این الاغ مسکین ومظلوم وطن مارا این سه رأس خرکشتند ! اینان خودکوزه وخودکله کوزه وخودخریدارکوزه اند

سی سال پیش اینان از بورسیه های امریکا همزمان مستفید شدند ، پس از اتمام تحصیل، وظایف مشخص را در لباس های متفاوت از جانب امریکا تصاحب شدند .اینان همه غلامان امریکاهستند وبا فرستاده شدن شان به کشورفصل سیاهی بر زندگی شهروندان کشور ورق زده شد . (احمدحارث ادریس) شرح درنگارش همکار گرامی انجنیر عبدالصبور فروزان درههین شماره ./

اگر چه سیاست امریکا در چند دهه اخیر دقیقاً همین بوده است اما ترامپ بدون در نظر گرفتن سیاست های روانشناسانه سیاسی گام بر می دارد و بگونه وانمود میکند که بی پروا از دیگران به دنبال منافع خود و امریکا است.

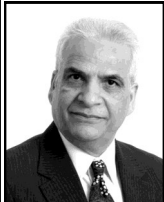
از منظر دیگری اگر به شیوع ویروس کرونا بنگریم، به این نتیجه نزدیک می شویم، دقیقاً کشورهایی که در جهات مختلفی برای امریکا خطرآفرین بوده اند مورد حمله کرونا قرار گرفته و باعث شیوع این ویروس شده اند. تا از جهات مختلفی مردم این کشورها ضربه های روحی و مالی جبران ناپذیری را متحمل شوند و هم از نظر روانی در جامعه انسانی به ناقلان ویروس خطرناک و کشنده کرونا معرفی گردند.

جهان اگر به همین منوال پیش می رفت، تا چند سال دیگر چین از لحاظ اقتصادی امریکا را در می نوردید، ایتالیا از لحاظ مخالفت با اروپایی ها برای همراهی سیاستهای امریکایی شان، آنانرا از امریکا دور می کرد و ایران از لحاظ سیاسی، بیشتر کشورهای جهان سومی و حتی متوسط را علیه امریکا می شوراند و این به نفع امریکا نبود. از این منظر، اتهام چینی ها بر امریکا در شیوع ویروس کرونا می تواند نزدیک به واقعیت باشد.

از لحاظ اقتصادی نیز، امریکاتمامی کشورهایی که در پی کشف واکسن درمان کرونا هستند را زیر نظر گرفته و حتی برخی از محققان ویروس کرونا را تامین مالی می کنند تا دسترسی به واکسن کرونا به تاخیر بیفتد و امریکا در آخر کار که یقین پیدا کرد مخالفان خود را به زانو درآورده است، آن زمان با قیمت گزافی این واکسن را در اختیار بشریت قرار دهد.

بیجه استیت فارم

LIKE A GOOD NEIGHBOR,
STATE FARM IS THERE.®



For your insurance and financial needs, see State Farm agent:
Afzal Nasiri, Agent
8704 Sudley Road
Manassas, VA 20110-4405

703-369-6224

ماری خلیلی ، افضل ناصری

خانه، موتر، صحت



محمد صدیقی

تشابهات سرنوشت دو احمدزی

در دهه ۹۰ قرن بیستم، حکومت دکتر نجیب الله، قربانی موافقتنامه ژنو میان جرج بوش و گرباجف گردید. در مذاکرات میان شوروی و پاکستان، عبدالوکیل وزیر خارجه افغانستان مستقیم شرکت نداشت. در اتاق دیگر جریان گفتگوها از طریق مقامات شوروی به او می رسید و آنرا به کابل می رساند تا دکتر نجیب از جریان گفتگوها مطلع شود.

در دهه دوم قرن بیست و یکم، حکومت غنی احمدزی قربانی سازشنامه دوحه شد. قسمی وجه مشترک سیاسی میان سرنوشت حکومت نجیب الله احمدزی و حکومت غنی احمدزی در حین تفاوت های شان، یافت می شود. غنی نیز در مذاکرات دوحه حضور نداشت. خلیلزاد با رفت و برگشت ها به کابل از جریان مذاکرات به او خبر می داد تا آنجا که سر اصلی کار پنهان بماند. خلیلزاد به احمدزی یک معلومات و در دیدار جداگانه با عبدالله معلومات دیگر می داد تا اصل قضیه در پرده ابهام سیاسی سر به مهر بماند.

جنگ غنی با خلیلزاد که رسانه یی شده است خشم عقده دل غنی را می نماید که بر سر خلیلزاد می ریزد. ترامپ، برای حفظ منافع اقتصادی-ژئوپلیتیک در جنوب آسیا، طالبان را برحکومت و مردم افغانستان تحمیل کرد. طالبان می خواهند غنی را از ارگ بیرون کنند و به جای بیرق جمهوری اسلامی پرچم امارت اسلامی را به اهتزاز درآورند.

پس از امضای سازشنامه امریکا وپاکستان درقضیه افغانستان عباس استانکزی از مخومه اعلام کردن جنگ با امریکا و ادامه جنگ با حکومت افغانستان خبر داد. او با ادبیات سیاسی سخریه آمیز رهبران حکومت و سران احزاب سیاسی را بقه ها نامید. طالبان حکومت غنی وعبدالله را نامشروع اعلام می کنند و هرنوع مذاکره با غنی و تشکیل یک حکومت ایتلافی با او را انکار دارند. این وجه مشابه دیگری است که میان حکومت غنی ونجیب الله یافت می شود. در آن زمان تنظیم های اسلامی سنی مذهب و شیعه مذهب جهادی مذاکره با حکومت وطن را رد می کردند و از تشکیل حکومت ایتلافی با نجیب الله طفره میرفتند و خواهان تسلیم شدن حکومت حزب وطن بودند.

یادمان هست که باعملی شدن موادتوافقنامه ژنو در سال ۱۹۸۹، اول خروج عساکر شوروی از افغانستان رقم خورد و سپس کمک های اقتصادی شوروی که در بحران اقتصادی کمرشکن فرو رفته بود، به حکومت نجیب قطع گردید که ستون فقرات دولت کابل شکست. ارتش، پولیس، نیروهای ملیشایی همه وهمه پراکنده شدند. البته، درزال حکومت نجیب الله تضادهای درونی جامعه که درآن میان تضادملی برجسته ترمینمود، نیزنقش مهم را بازی کرده است.

ترامپ و پمپئو می گویند مواد موافقتنامه دوحه را در افغانستان عملی میکنند. درمرحله اول ۴۰۰۰ تن از سربازان امریکا را از پنج پایگاه نظامی از بیرون می سازند. در آزاد سازی ۵۰۰۰ زندانی طالبان در افغانستان کمک میکند. البته، برای مدتی چرخه سیاست افغانستان در پرده تعادل وسردرگمی حفظ خواهد شد.

سرنوشت سیاسی حکومت غنی احمدزی به یمن لطف ترامپ بسته است که کمک های اقتصادی و نظامی را ادامه می دهد یا آخرین میخ را بر تابوت جمهوریت با قطع کمک های اقتصادی، می زند و راه را برای یکه تازی طالبان به قوماندانی پاکستان باز خواهد کرد؟ (دنباله درصفحه هشتم)

با این سیاست، امریکا هم از لحاظ سیاسی و اقتصادی و هم از لحاظ حقوق بشری به امتیازاتی باور نکردنی دست پیدا می کند، اگر در میان راه اشتباهی رخ ندهد و کسانی سد راه این موفقیت امریکا نگردند./

انجنیر عبدالصبور فروزان استاد یونیورستی نیوجرسی

خصوصیت کرزی واحمدزی علیه مردم ولایات شمال و معاهدهٔ ننگین(دهنه غوری)

درفریهٔ خورجین ولسوالی چهارسدهٔ ولایت غور خانمی باچندطفل یتیمش زندگی می کند که شوهرش راطالبان به قتل رسانده بودند، آنچه ازشوهرش باقی مانده بود چندسال محدودی راکفایت کرد واطفالش هنوزکوچک هستند که زمین راشخم کنند ، کشت و کارنمایند زندگی راپیش ببرند. ازپدرشان چهارخرمیراث ماند که آن بانو ازآنهانگهداری هم می کند وبعضاًآنها را به اجاره میداد ولی چندان عایدی به بارنمی آوردند. باگذشت هروروز زندگی او واطفالش ضیق وضیق ترمی شد وتنگدستی دامنگیرشان شده بود.

روزی به فکرآن میشودکه به مرکزولایت نزدپدر برودتا راه چارهٔ برای گریز ازتنگدستی رابرایش نشان دهد. طالبان اکثریت ولسوالی های غور به شمول چهارسده را دراختیاردارند، تنهامرکزولایت درحاکمیت دولت است. طالبان انتقال موادغذایی ازقبیل آرد، برنج وموادمحروقاتی رابه مرکزولایت بصورت قطع منع نموده اند. این تعزیرات شدیدمواد اهالی مرکزغور را به تنگدستی شدید وفقر وفاقهٔ دلخراشی دچارساخته است. قیمت چنین مواد که در ولسوالیها تولیدمیشوند به اندازهٔ درمرکز بلنداست که اکثریت مطلق مردم توان خرید آنها را ندارند.

آن خانم مقداری آرد، برنج، حبوبات، مسکه وقروت که درولسوالی شان نسبت به مرکزفراوان وارزان است، گرفته بالای یکی ازخرها انبار میکند تا چیزی ازآنها که تحفهٔ پدراست خودنگاه دارد وچیزی را بفروشدو تکافوی مصارف سفر رانماید. دربازگشت باخود اندیشید که ازسوختن وساختن با فقر بهتراست این کاریکنم تالقمه نان حلالی برای خود واولادم تیارکنم. به کمک عدهٔ از خویشان راه هایی راکه گذرطالبان نبود پیداکرد وآن کاررا آغاز نمود درهرونوبه شب رادرخانهٔ پدرمی گذرانید وصبح مال ومتاعش رافروخته پس به قریه می آمد. چون قلت مواد ارتزاقی درمرکزولایت خیلی بلند بود. ابتدا از خر استفاده می نمود، رفته رفته سرمایه اش بیشترشد، دوخر، سه خر وهرچهار خر رابکار انداخت.به این صورت آن خانم منفعت خوب کرد وسرمایهٔ ساخت که مردم قریه و دوستانش هم از اوفیض می بردند.

قضارا که دریکی ازشفرهای اوکه اول فبروری سال جاری بود، طالبان از فعالیت تجاری اش آگاه میشوند، راه بازگشت اورا پیدا میکنند ودر کمینش می نشینند. اورا باخراهیش گرفتار می نمایند وبه دارالخلافهٔ شان می برند. قاضی طالبان حکم می کند که خانم به جرم استفاده ازخرها محکوم به پرداخت جریمه و خرها به جرم انتقال موادغذایی محکوم به اعدام اند ! قرار گذاشته میشودکه حکم شریعت طالبان درمرکزولسوال چهارسده جاری شود تاسایرباشندگان ازآن پند بگیرند !

قاضی بعد ازثنا وصفت خداوند(ج) وپیامبرش (ص) حکم میکند که خرها به جرم انتقال موادغذایی به کسانی که باکافران همکاریاند، درمحضرعام اعدام شوند . قاضی طالبان گفتن چنین سخنها به حاضرین امر کردکه نعرهٔ تکبیر بگویند ! دارها برپاساخته شد، درگردن خرها حلقه های دار انداخته شدو در میان هیاهوی مردم وطالبان ریسمان های دارکش شد، ولی نسبت اینکه آن حیوانات جسیم وقوی بودند پایه های دارشکسته وخرها زنده به زمین خوردند، هیاهوی مردم بلندشد، بعضی هاقهقهه می خندیدند وعدهٔ حالت زار آن حیوانات بی زبان را دیده غمگین بودند. قاضی طالبان امرکردکه چون آن حیوانات عظیم الجثه اند وبه دارآویختن آنهاکاری نمی افتد، لذا بایدچانواری شوند ! آن معصومان رابه حکم قاضی طالبان پهلو به پهلو ایستادکرده وچهار طالب درمقابل شان ایستاده وتفنگ های خودرا نشانهٔ پیشانی شان کردند وبا نعرهٔ الله اکبرماشه هارا کشیدند، مرمی ها پیایی برپیشانی خرها اصابت کرده هرچهارآنها برزمین خوردند وجان به حق سپردند.

این داستان الم انگیز راکه بیانگراعمال دهشت زای طالبان است، دوستی از جرمنی بامن شریک نمودکه برادرش ازهرات برایش ایمیل کرده است، و خواستم آنرا باشما خوانندگان عزیز امید شریک سازم، تاجهرهٔ این جنایت کاران روشنتر شناخته شودکه آنان هرنوع جنایت و قباحث را در زیرنام اسلام انجام میدهند. ورنه شریعت اسلام کجا واعدام خر کجا ؟! درتاریخ کهن ملل عرب آمده که امرای ظالمی درمیان آنهاگذشته اندکه اگرکسی رااعدام میکردند سگی رانیز با او درپایهٔ داردریپهلوش می آویختند، اماآن اوامر تحقیرکردن شخص محکوم بود نه اعدام سگ، واکثراً اجساد سگهای مرده را می آویختند!

ولی این باراول است درتاریخ بشریت که طایفهٔ بنام طالبان خر راکه یک حیوان آرام ومظلوم است اعدام کردند، به همین خاطردراول مقاله درقید قلم آوردم تا روزی نسلی که می آید بداندندکه مردم ما درگیرچه طایفهٔ بوده اند!

وباز به همین لحاظ دراول مقاله جادادم تادانسته شودکه کرزی واحمدزی طی زده سال درتقویت چه گروهی زحمت کشیدند، خون یک صدهزارسرباز وطن رادرپای آنان ریختند، وجهان شاهد باشدکه یک کشورمعظم جهان به گروهی که حتی خر را اعدام مینماید درسازش ومعامله می نشینند ! حقایق نشان میدهد که پروژهٔ کشاندن جنگ به صفحات شمال افغانستان در بیرون مرزهای کشور طرح گردیده است، حامد کرزی ، اشرف غنی احمدزی وحنیف اتمر مامورشده اندتا درتطبیق وتحقق آن همکاری وهمدستی کنند. اینها موظف اندتا زمینهٔ فعالیتهای جنگی طالبان، داعش وسایرگروههای تروریستی رامساعد بسازند وآن مناطق راکه همجوار کشورهای آسیای میانه و روسیه اند، بی ثبات ونآرام گردانند، زیرا چگونگی اوضاع درآن مناطق مستقیما براوضاع جاری کشورهای آسیای میانه وروسیه تأثیرمی انداز.

تشدیدجنگ، بی ثباتی ونآرامی مناطق شمال کشورنه تنها دربرآورده شدن اهداف ستراتژیک وتوسعه طلب (هژمونیستی) کشورهای دیدخل کمک می نماید بلکه کرزی واحمدزی وهم اندیشان قبیله گرای شان نیزدرحصول مقاصد فاشیستی وقومگرایی ایشان یاری می نماید ! این پروژه طوری عیار شده که درآن ولایات طالبان، داعش وسایرگروههای تروریستی باید متحدهانه وبدون کدام اختلافی همه یکجا ودریک سنگرعلیه قوای مسلح کشوربجنگند. طبق مفردات این پروژه هم اکنون ولایات بدخشان، تخار، فاریاب، بلخ ، سرپل، شبرغان، جوزجانان، میمنه وبغلان که قبلا ازولایات بامن بودند، به مناطق ناآرام ویی ثبات تبدیل شده اند. طالبان وهمکاران جنایتکارشان در آنهانفوذ کرده وهرروزصدهاتن ازاهالی آن ولایات راشهیدمی سازند. اشخاص انتحاری شان درهرگوشه وکنار عملیات انتحاری مینمایند زندگی مردم آنرا برهم زده اند وآرامش آنجاها راازبین برده اند، مکاتب وموسسات تعلیمی را مسدود وحتى مکاتب دختران را آتش زده اند .

جناب سیدمسعود بدخش استادسابقه در دانشگاه کابل، باشندۀ کانادا، در زمانی که استادعطامحمد نور والی بلخ بود، به آن ولایت سفرکرد. اودرموردشهر مزارشریف چنین گفت: « مزارشریف به یک شهر پیشرفته به مثابهٔ شهرهای اروپایی تبدیل شده بود، مکاتب، دانشگاهها، شفاخانه ها، اموربازرگانی، امور شهرداری، خدمات عامه، صنعت وزراعت درآن به اندازهٔ پیشرفت کرده بود که انسان فکرمیکرد دریک شهراروپایی میباشد، وحتى امنیت ومصونیت آن بلندترازبیشترین شهرهای اروپا بود. سرک ها قیربریزی شده ونظم ترافیک آن هزاران مرتبه بهتر از کابل بود.»

غنی احمدزی به بهانه های گوناگون ولجajt قبیلوی استادعطا راازآن ولایت برطرف کرد، و اوزمانیکه وی برطرف شده، نظم وآرامش ناپدید گردیده، طالبان درآن شهر نفوذ کرده، ناآرامی ویی امنی ایجادنموده اند. عملیات انتحاری شان روز وروزگارشهروندان راسیاه وتاریک ساخته است. میگویند همین اکنون درمزارشریف ازشاعت پنج عصربه بعد کسی ازخانه اش بیرون رفته نمی تواند. حتی در روزوشن مردم راایستادکرده تلفون دستی وهر چیزی که داشته باشند ازنزدشان می ربایند. کسی بنام اخترولوجک (لچک) از طرف غنی احمدزی بحیث قوماندان امنیهٔ مزارمقررشده که نفرهای اوهرنوع اعمال بداخلاقی وجنایت را درحق مزاریان دریغ نمی کنند. ایشان زندگی را برآن مردم تلخ وتیره ساخته اند. یک دوست من که درمزارشریف زندگی می کند دریک صحبت تلفونی گفت: «درزمان استاد عطا شهرمانند بهشت آرام بودومردم تانیمه های شب درپارکها وبازار گشت وگذار میکردند وحتى عدهٔ از دوکانها، مغازه ها وورستورانها تاصبح باز بودند ومشتری داشتند.

مگرپس ازتبدیلی والی بلخ، همهٔ ولایات شمال راطالبان ازشاکتین بومی آن که عمدتاً ازبک وتاجیک و هزاره اند، تصفیه مینمایند وبشتون هارایجای شان مسلط می گردانند. البته طراحان این تصفیهٔ نژادی نیزباطرزید این گروه موافق اندوآترامصد خوبی برای تطبیق این پروژه می شمارند. کرزی در چوکات این پروژه دستآوردهای وسیعی دارد و دردوران طولانی قدرتش اکثریت فرماندهان مجرب دورهٔ جهاد ومقاومت را برکنار ونابودکرد. اوبا طالبان ارتباطات نیکوقائم کرده آنها را باوجودجنایات وقتل وقتال مردم بی گناه وطن (د دی خاوری بچیان او زما ورونو) یادمیکرد وسرکردگان آنها مخفیانه درارگ رفت وآمد داشتند .

ترورشهیدمحمد داؤود فرخاری، شهیدمولینا عبدالرحمن سیدخیلی، شهیداستاد برهان الدین ربانی فقید، ومسموم کردن مارشال فهم، به حاشیه راندن سران جهاد ومقاومت، احیا وتقویهٔ صفوف طالبان، گسترش فساد اداری، همگانی سازی قاچاق موادمخدر، احداث کمربند طالبان دراطراف ولایت پروان برای سرزنش وسرکوبی مردم شمالی درآینده، بهم اندازها میان هزاره ها و پشتون هاوجنگ هزاره وبشتون درافشارکابل، گسترش تفرقه

ونفاق زبانی، قومی و مذهبی، خاموشی دربرابر اعمال انتحاری ودهشت ووحشت طالبان، ازجملهٔ دستآوردهای او طی سیزده سال قدرتش میباشد.

حنیف اتمر در اجرای سهم خود درتطبیق این پروژه کوتاهی نداشت، او در ایجادهسته های داعش درنواحی شرقی وشمالی کشورنقش فعال داشت. قبل از قوام این گروه آدمخور وظالم بی دین ویی عاطفه درشمال کشور، اهالی شبرغان، تخار، بدخشان درسالهای ۲۰۱۵ و۲۰۱۶ شکایت داشتند که ازطرف شب هلیکوپترهای بی نام ونشان واكثر سفیدرنگ درمناطق آنها نشست و برخاست می نمایند واشخاصی درقریه های شان پیدا شده اند که خانه هارا کرایه میگیرند وهمراه یازن وفرزندان شان می باشند، همه متمول وبولدار اند وبه زبانهای محلی بلدت ندارند.

دار ودستهٔ غنی احمدزی به این شکایات گوش نمیکرد تا اینکه آهسته آهسته آن هستهٔ داعشی درآن ولایات به پختگی رسیدند، جنگ وویرانی راآغاز کردند وبه اذیت و آزار مردان محل پرداختند. حتی زمانی که درآغاز جایجا شدن شان درلغمان حاجی ظاهر پسرحاجی قدیر ازقتل وویرانگری آنها شکایت کرد، غنی احمدزی که امورامنیت ملی آنرا حنیف اتمربعمهده داشت، خاموشی ویی تفاوتی اختیارکرد وحاجی ظاهر مجبورشدکه به تنهایی در برابر داعش بایستد وجلوقتل وقتال آنهارابگیرد. اوضربات شدید برداعش وارد ساخت که سبب خشم ونارضایتی های احمدزی واتمر شد واورا متهم به سر کشی ازدستورات دولتی کردند.

اخیرا مقامات نظامی امریکا درکابل گفته اندکه داعش کدام خطری رابرای آنها ایجادنمی کند وعملیات نظامی دربرابر آنهاضرور نیست ! هم اکنون درشمال کشور داعش، طالبان ودیگرومهای هسان شان همه یکجا قتل و ویرانگری وجنگ مینمایند وآن ولایات رابی ثبات ونآرام ساخته اند. جالب این است که همهٔ آنهاهمدست وهمسنگر یکدیگراند وبدون کدام اختلافی همهٔ شان دربرابر قوای مسلح کشور درآنجاها می جنگند ومردم بومی را اذیت وآزار میدهند ومناطق شان رابی ثبات ساخته اند. این همکاری وهمدستی غیر قابل انتظار میان این گروههای جنایتکارواقیعت روشنی رااثبات می سازد که همهٔ شان ازیک منبع تغذیه وتمویل وتسلیح میشوند، ازهمان منبع دستور می گیرند وبرای برآوردن اهداف همان یک منبع می جنگند .

درواقع طراحان این پروژه درنظر دارند تاشمال افغانستان را به تختهٔ خیز داعش وسایرگروههای تروریستی برای کشورهای آسیای میانه تبدیل نمایند. باید یادآور شدکه یکی ازبفرنج ترین مسأله درقضیهٔ افغانستان ارتباط طالبان با ایران و ارتباط طالبان با روسیه و چین میباشد . قرارشواهد، روسیه وچین هردو به طالبان همکاری های پولی وتسلیحاتی نموده اند وحتى از ملاقات های طالبان بابوتین وسفرهای شان به چین بطور مخفیانه درمطبوعات جهان گزارش داده شده، و ایران برای سال هاآنها را پول واسلحه داده است.

این که روسیه دربرابراین همکاری ها ازطالبان چه میخواهد، ایران دربرابر پول هاوسلاح هایی که داده، ازآنها چه تقاضادارد وچین به چه منظور ایشان راهمکاری نظامی وبولی مینماید، تاکنون مخفی وبوشیده مانده است. مقامات امریکاکفته اند که با بقدرت رساندن طالبان مطابق معاهدهٔ امضا شده، در دو دهه پایگاه های نظامی اش رادرشمال وغرب افغانستان حفظ مینمایند. روسیه در مورد این اظهارات امریکا نه تنهاکدام عکس العملی نشان نداده بلکه کدام حرف وتبصرهٔ هم دررسانه های آن کشوردیده نشده است . ولی همهٔ این کشورها بشمول امریکا خوب میدانند که طالبان خصوصیت روسیی گری دارند، هرجانبی که پول زیاد بدهد به همان جهت می خوابند ! چنانکه اکثریت مطلق دولتندگان امریکا به این عقیده اند که طالبان گروهی اند غیر قابل اعتماد، از خود اراده ندارند وبه قول وقرارآنها نباید باورکرد .

غنی احمدزی به ادامهٔ فعالیت های خیانانهٔ کرزی درناآرام سازی ولایات شمال وکشاندن شعله های جنگ درآنها به سرعت دست بکارشد، امکانات جابجا شدن طالبان وداعش را درآن بخش کشور بیشترساخت وزمینهٔ نفوذ آنها را مساعدترساخت. طی چهارسال قدرتش شعله های آتش رابه ولایات یاد شده گسترش بیشتر بخشید، وآن مناطق راکه باامن ترین وآرام ترین بودند حالا به شدت درآتش جنگ می سوزند، وروزانه صدهاباشندهٔ آن توسط داعش وطالب کشته میشوند، کاروفعالیت بکلی فلج شده، زراعت وباغداری و مالداری را کلاً ازیبن برده اند، فقر وفاقه دامنگیراهالی گردیده است.

احمدزی درایجاد این شرایط ناهنجار وغم انگیز ازهرنوع بیشرمی، بی حیایی، تزویر وفریب ومعامله گری دریغ نکرد. او طی چهارسال قدرتش زمینهٔ کشتار عساکر (صفحهٔ هشتم)



نویسنده : ادناکوهیل

ترجمه وتلخیص از داکترلطیفی

وقتی از خواب چشم کشودم اتوکار به مسکن پدري ام (اوهايو) مواصلت کرده بود اما قیافهٔ شهر این بارطوردیگر درنظرم جلوه نموده وخیال میکردم یکدسته مردم پرشور وپرهیجانی درآن زندگی میکنندکه جهان افراد آن غیر ازجهان منست. اطفالم باخوشی وسرور مخصوصی اطراف خودراتماشامی کردند ومن به چهره های محبوب شان نگاه کرده وباخود میگفتم اگرهم بنجهٔ مرگ جسدم را بربایده، روحم شادمان خواهدبود ازاينکه درموجودیت این کودکان زندگی های جوانتری را ازهستی خودبه یادگارخواهم گذاشت.

وقتی بخانهٔ خواهرم (دورتي) رسیدم استقبال گرم اوقلب مجروحم راکیی تسلی داده وازدیدن قطرات درشت اشک روی رخساره های رنگ پریده ام جاری گشت.

طوریکه قبلاحدس زده بودم بدبختی در درودیوار این خانه دیده نمیشد، روز بعدبه اتفاق خواهرم نزدداکتر سکاوت که بحیث متخصص سرطان به من معرفی کرده بودند رفتم. قبل ازمعاینه باخود میگفتم شاید داکتری که مرا محکوم به داشتن سرطان نموده، درتشخیص خود مرتکب سهوی شده باشد و این متخصص تازه اشتباه اورابه من اعلان بدارد... ولی افسوس که سیرزندگی مانند رومانها نیست وحوادث ناگوار به آسانی ازما روگردان نمی شوند...داکترسکاوت بطن مراتوسط شعاع ایکس موردمعاینه قرارداد، هنگام معاینه آب دهنم خشک شد وبیهوده میکوشیدم لبان خود ربا زبان کرخت خود مرطوب نمایم . درلحظاتی که مایوسی دامنگیرم شده وتهیدیدات مخفی آن برایم حکم صدای پای قاتل رامیداشت، بزودی حواس خود راجمع نموده اشکهایم راپاک می کردم وبه خانه پناه می بردم...

دردقایقی که اندوه وملال گریبانم رامیگرفت فورا به مجادله پرداخته قلم و کاغذ روی دست گرفته به دوستان واقاربم نامه مینوشتم یابه جواب مکاتیب آنها میپرداختم. شایداین نامه های من برای خوانندگان مورد دلچسپ قرار نمی گرفت، اما خودم عکس العمل آنهارا درنظرنگرفته مسلسل مینوشتم و آرزو داشتم به این وسیله رابطهٔ خودراباحیات نورمال ادامه دهم، زیرادر هنگام نوشتن همین نامه هامی بودکه خودرا بازهمان زن چندماه قبل تصورنموده مرض سرطان رافراموش میکرد ومانند اشخاص صحتمند وآنهايي که هنوزبه مرگ محکوم نشده اند، ازحیات وفعالیت وسرورزندگی سخن میراندم. باقی اوقاتم رابه مطالعهٔ هنروع کتابي که بدستم می افتاد سپری میکردم، این مطالعه وخواندم راقوتی قطع میکردم که دیگرانگشتانم نسبت خستگی زیاد ازصفحه زدن بازمانده وجشم خطوط را تشخیص داده نمی توانست، درین لحظه مشغولیت دیگری رابرای خود پیدا کرده وبه (بازی خاطرات) میپرداختم. مثلا به کلمهٔ (یاسمن) فکرمیکردم وبعد طفلک خودرا بخاطرم مجسم ساخته وهمان روزی راکه به من یکدسته گل زیبا ومعطر یاسمن تحفه داده بود بیاد می آوردم، آنوقت چهارسال عمرداشت ومصادف باسالگرهٔ تولدی طفل دیگرم بود...

بالاخره روزی رسیدکه دیگر زانوهایم بکلی سستی نموده وچپ وراستم را در جاده هابخوبی تشخیص داده نمیتوانستم، قدم هایم دررفتار کندی کرده با مشقت زیاد ورهنمائی طفلکم شارون خودرابه اولین موتري که رهسپار شفاخانه می بود میرساندم. یکروز حین مراجعت ازشفاخانه بقدری خسته و بیچاره شده بودم که سراست بالای بسترم افتیده وهیولای مرگ رادر نظرم مجسم دیدم، ولی هرطوری بوداین شیخ هولناک راازخود دورنموده جبراً به مصاحبهٔ شارون مشغول شدم ونگذاشتم آخرین نفسهای هستی درگلویم گره گردد.درپایان مجادلهٔ این روزیک نوع پیروزی درخودحس نموده وپنداشتم که یک قدم دیگربه پیش رویعی بسوی زندگی برمیدارم...

ازین روز به بعد خواهرم شارون راموظف ساخت تابهروسیلهٔ که میشود روز یک مرتبه مرا توسط تکسی به گشت وگذارجاده هاببرد. این یک فکرخیلی عالی وپسندیده بود ولی من به اندازهٔ ضعیف وناتوان شده بودم که بعضی روز هادعوت معصومانهٔ شاروان رابرای گشت وگذار درحق خودیک نوع بیرحمی تلقی کرده باخود میگفتم چرادرین دنیای فعال وبهرحرکت واجتماعات سالم و پرهیجانی که همه چیزآن برای من بیچاره و رنجور طعنه وتوهین است داخل شوم، درحالیکه باید لحظات پردرد والم زندگی من درکنج اتاقهای متروی بستر بیماری سپری گردد . نه این افکاردرست ومنطقی نبود ومن نبایدروزنه های مایوسی رابه استقبال مرگ میکشودم، لهذا فورا به تردید ومجادله پرداخته فاژه می کشیدم...

نصیراحمد رازی

سدنی ، آسترالیا

دریچهٔ به نثر پیشینیان سوگندنامهٔ بقراط

هر که بخواهد پزشک دانشمندی گردد باید ازپندهای بقراط حکیم که در زمان خودبرای پزشکان گفته، پیروی نماید. نخستین موعظت آن است که ستایش پروردگار وفرمانبرداری خداوند عزّ وجلّ رایجای آرید ویس ازآن استادان خود رابزرگ دارید ودرخدمت وسپاسگزاری وگرامی داشتن آنان همت گمارید. همچنان که درحق پدر ومادرخود احترام ونیکی میکنید وآنان را در دارایی خود شریک میدانید، باید درحق استادان نیزچنان کنید. فرزندان استادان رانست به خود برادر بدانید وهرکه بخواهد طب بیاموزد واستحقاق آن راداشته باشد، بدون اجر ومزد وشرط وامید تلافی به آنها یاد دهدوآنان رابه منزلهٔ فرزندان خود ومعلمین تان بشمارید وازمردمان پست وسفله مانع شوید که این علم شریف را فرا گیرند.

پزشک باید دردردمان بیماران وحسن تدبیر ومعالجهٔ آنان چه باغذا وجه با دارو بکوشد ومنظورش ازمردان استفاده ازپول پرستی نباشد وبیشتر اجر وثواب را درمدنظر دارد، هیچگاه داروی خطرناک به بیمارندهد ووصف آن رانبیزه بیمار ننماید ومریض رابه چنین داروها دلالت کند ونه ازآن سخنی راند. از تجویز داروهای سقط کنندهٔ جنین پرهیزنماید وآنهارا به احدی معرفی نکند.

پزشک باید پاک وباکیش وحداپرست وخوش زبان ونیکو روش باشد واز هر ناپاکی وپلیدی وگناه دوری جوید. نسبت به زنان چه بانو چه کنیز نباید بانظردید نگاه کند وبه منزل آنان جزبرای درمان ومعالجه وارد نشود.

طبيب باید رازبیماران رامحفوظ دارد، افزاشء سرآنهابه خودی وبیگانه و نزدیکان ودوران دوری جوید، چراکه بسیاری ازبیماران بیماری خودرا از پدر ومادر وكسان خودمستور ومکتوم می دارند ولی آنرابه طبيب میگویند، پس طبيب باید ازخود بیمار درکتمان بیماری بیشتر دقت نماید .

برپزشک است که درجمع احوال آنچه بقراط حکیم فرموده رفتار نماید و رحیم وپاک چشم ومهربان وخیررسان وخوش زبان باشد ودر درمان بیماران بخصوص مسکینان وفقرا به جد کوشد، در فکر سود واجر ازاین دسته نبوده بلکه اگرممکن شود دارو رازکیسهٔ خود بدانها دهد، واگر این کارممکن نگردد به درمان آنهاپرداخته شب وروز به بالین شان حاضرشود، مخصوصا اگربیماری آنها حاد و تند باشد، چراکه بیماری های حاد زودتغییر ودگرگونی پیدا می کنند.

طالب علم طب باید پیوسته دربیمارستان هاومحل بیماران ****

خندیدن خصلت ضدعفونی دارد، بیاد دارم که درآن لحظه کمتربه اندیشه و تشویش مرگ بوده وباجود اینکه روزنه های امید وزندگی رابه رویم بسته میدیدم، زیادرتر ازمیشه شوخی وبی خیالی میکردم، گاهگاهی باخودمیگفتم هرقدر دیرترزنده بمانم بهمان اندازه کارهای بزرگتری رابرای حیات موقتی خود وآیندهٔ اطفالم انجام خواهم داد، هنوزمراد زندگی دردلم نمرده بود.

راستی داکترسکاوت نیزحکیم طبیب (دنویر) راکاملا تایید نموده وبه عقیدهٔ اونتها شش ماه دیگرمیتوانستم زنده بمانم، اماطبیعت انسان طوری ساخته شده که به سهولت حاضرنیست مرگ راقبول کند.

من نیز باوجود این حقیقت تلخ یعنی فرارسیدن مرگم واضح وروشن شده بود بازهم باخواهرم صحبت رادر اطراف زندگی وحیات میکشاندم وبطورنامحسوسی یکبار مکالمات مابه جایی رسیدکه باردیگر نسبت به تشخیص هردو داکتر مشکوک شده ودر زوایای روح خود منتظر حادثه وخارقهٔ بودم که باهمه محکومیت ها ازچنگ مرگ نجاتم دهد .

سه روزبعدازمعاینهٔ داکترسکاوت داخل شفاخانه شدم، اتاق روشن وخوبی برایم انتخاب نموده بودند، دورتی نیز درجوارم قرار داشت ونرس پاکیزه سرشتی پرستاری مرابعده گرفت. شب اول همینکه چراغ اتاقم رابخاموش نموده داخل بسترگردیدم، خیالات عجیبی درکه ام خطورمیکرد وخود را مانند روح آوارهٔ می دیدم که درین دودنیا مفقود شده وراه هیچکدام آنرا سراغ ندارد.

چهارروز درشفاخانه ماندم وتمام تطبیقات شعاعی و رادیوم را بالایم اجرا کردند. اطلاع یافتن ازمرگ حتمی ام فایدهٔ بزرگی بمن نمودوآن عبارت ازین بود که تمام افکار وحسیاتم متوجه آیندهٔ کوتاه زندگی ام شده دردها وآلام جسمی وفزیکی را کمتر احساس میکردم، همین قرابت مرگ مرا تحریک میکرد تاخود رابهتر وبیشتربرعلیه آن مجهزسازم./ (دنباله دارد)

درخدمت استادان دانشمند وپزشکان حاذق به کارهای بیماران واحوال آنان پردازد تادر مصاحبت وخدمت این استادان وپزشکان زبردست ازعوارض واحوال بیماران آنچه که خوانده، یادگرفته ازنیکی وبدی فرجام بیماری هاآگاه شود. اگر چنین کند دراین صناعت به مقامی بلند می رسد.

برای پزشک شایسته نیست به خوشگذرانی وتنعم ولهو ولعب مشغول گردد، باید ازنوشیدن شراب پرهیزد چراکه به دماغ ضرر میرساند وذهن رافاسد میکند. باید خودرا مجبور نماید که هرچه میخواند یادگیرد وحتی مطالب را در آمد ورفت متذکرشود وآنچه را که محتاج الیه است چه علماً (وجه عملاً) در ذهن خود فراگیرد تاهمیشه محتاج به مراجعه کتاب نباشد، به علت آنکه گاهی اتفاق افتد کتب را آفت رسد،دراین صورت به آنچه محفوظ دارد رجوع نماید. باید مطالب را درجوانی آموخت وبه دلیل آنکه نگاهداری و حفظ آنها دراین موقع، از پیری که مادر فراموشی است، آسانترمیباشد.

بنابراین اگرکسی بخواهد طبیب حاذق وفاضل باشد باید بدین دستورها رفتار کند واین پند هارا درگوش داشته به صفات واخلاقی که ذکرشد خوی گیرد و درعمل کردن بدانها سستی نورزد وآن راکوچک بشمارد. اگربدین رویه رفتار نمود، درمانش دربیماران مؤثرخواهد گشت ومردم بدو اعتماد نموده بدو خواهند گروید واو نیزبه دوستی و ذکرخیر آنان نایل شده، از قبل مردم منتفع خواهد شد. <خداوند ازهمه داناتر است.>

درباب امیدواری

درحکایت است که روزی جوانی میرفت برکوی رزان، فاختهٔ بر بن درختی نشسته بود، این جوان ازسرجوانی خویش تیری درآن فاخته انداخت، آن تیر درباغ مهتری برزمین آمد وبرپسرآن مهترآمد. درساعت اجل سیری گشت وبانگ مشغله برآمد ومردمان رافرا گرفتن گرفتند. این جوان گفت چه بوده است؟ گفتندتیری ازهوا درآمد وبرپسراین مهترآمد واورا بکشت. این جوان گفت آن تیر به من نمانید ! من بدانم که اورا که کشت، اورا بردند به نزدیک آن مهتر وخلقی راگرفته بودند.

این جوان گفت آن تیر بیارید، بیاوردند، تیر آن بودکه آن جوان درفاخته انداخته بود. گفت اگرمن راست بگویم این مردمان راهمه دست بدارید؟ گفتند داریم، گفت این تیر من در فاخته انداختم واین تیرآن من است واین زخم من زده ام، اکنون توهرچه بازیشان میخواستی کرد با من کن! مهترگفت دانم که آنچه کردی خطاکردی، این اقرار جرابرخوشتن فرا دادی؟ برو که تو را آزاد کردم !

ظن نیکوچنین کارها کند : مهتر لثیم را که پسرکشته شده بود و ازدرد دل سوزان وچشم گریان، وهمه شهر به ماتم وی نشسته، کشندهٔ پسروی پیش روی او به کشتن اعتراف آورد وگفت خطا کردم وعذر خواست. آن مهترلثیم از خود روا نداشت که عذر او رد کردی، خون پسر درکار اوکرد.

پس چرابه خداوندی که اکرم الاکرمین است و ارحم الراحمین است، امید نباید داشت ؟ اگرچه گناه بسیار وخطای بسیار وجفاهای بی حدکرده. آمده است:: الکریم اذاقدر غفر، و اوهمیشه قادر بوده وقادراست برهرچه خواست و خواهد که کند واگر دراین معنی تقصیری افتد، جُرم ما راباشد که اعتقاد نه راست کرده باشیم و در ظن وفکرت خویش درست نیستیم. با اعتقاد راست و یقین درست، مرد درهوا بپرد ودرآن برود، و بی اعتقاد راست برزمین خشک، متحیر فرو ماند که چپ از راست باز نداند.(روضه المذنبین)

علامه اقبال لاهوری

لاله این چمن آلودهٔ رنگ است هنوز

سپر از دست مینداز که جنگ است هنوز

فتنه ئی را که دو صد فتنه به آغوشش بود

دختری هست که در مهد فرنگ است هنوز

ای که آسوده نشینی لب ساحل بر خیز

که ترا کار بگرداب و نهنگ است هنوز

از سر تیشه گذشتن ز خردمندی نیست

ای بسا لعل که اندر دل سنگ است هنوز

باش تا پرده گشایم ز مقام دگری

چه دهم شرح نواها که بچنگ است هنوز

نقش پرداز جهان چون بجنونم نگریست

گفت ویرانه به سودای تو تنگ است هنوز

انتخاب ازسید آقا هنری، از(مجموعهٔ اشعار زبور عجم اقبال (رح)

مشتاق احمد کریم نوری وستن رنج ، کالیفورنیا **پاداشت زبان مادری**
حرمت فرهنگ ها مورد تاکید وتایید یونسکو و ملل متحد
نوروزرسید کردجهان رامعطر
شمام خوشش، لاله وریحان و صنوبر
برتخت خلافت بنشست حیدرداور
دامادنبی، شیرخدا، ساقی کوثر

بخش ۲۴ این سلسله در نوروز وسال جدید۱۳۹۹هجری خورشیدی بدسترس شیفتگان این بخش که با تسلسل آنرا تعقیب نمودند، ولو که عنوان پایین و بالا و پس و پیش هم نوشته شود، لاجرم میدانند که دوام همان سلسله وبخش بعدی می باشد.

قدا مت نوروز و سرنخ آن به سالها وقرنهای دور ودرازی می رسد که تاریخ درخشان ویک فرهنگ پرغنا وباستانی را باز می گوید، بلی :

از آن سال واز آن مه و آن روز به مامیراث مانده جشن نوروز نوروز اولین روزماه حمل یا فروردین ماه، یکی ازقدیمی ترین یادگارهای ماندگارمان می باشد که آغاز فصل بهار که شب وروز برابر میشوند، ودر تاریخ باستان آنرا (اکیونوس) میگفتند. نوروزبنام عشق ومحبت و فانتیزی است که عشق وبرابری و همدلی را در ذهن وضمیر انسان تداعی میکند، کتلهٔ وسیعی از مردمان گیتی در حدود ۳۵۰ میلیون نفر آنرا جشن میگیرند ومقدمش را گرامی می دارند، واز سال ۲۰۱۰ میلادی سازمان ملل متحد و یونسکو موسسهٔ تعلیمی، تربیتی وفرهنگی وابسته بدان جنبهٔ بزرگ جهانی آنرا به مثابه نماد قشر وسیع ازملت های پرقدا مت، باریشه وصاحب اندیشه به سان نمای ملت های با استغنا ی ملی ودرخشان، به رسمیت شناخته است.

نوروز وداع بادیروز وغنیمت دانستن امروز، و سلام به فرداست. یکی از شعار های همین سالهای پسین بود، اما باحفظ اینکه نوروز در فراز وفرود زمانه در درازنای تاریخ وفراخنا ی جغرافیا همواره به حیث سمبول وحدت و همدلی پنداشته میشود. نوروز خوشی هستی است که بستره های تردد زندگی در آستانهٔ فردای پرشور بهاری، به زیر لطف نور در آرزوی فردای سرشت از پاک یوصفا قدمی کشد.

زکوی یارمی آید نسیم باد نوروزی

ازین باد ارمدد خواهی چراغ دل بر افروزی

ابوریحان بیرونی در آثارالباقیه اش تذکار داده که حساب کردن جشن های پرقدا مت وباستانی وپریشینهٔ پارسی زبانان وپارسی گویان، مثل آب گذرهای یک سیلاب، دور از محاسبه وسنجش است، ولی نوروزجشن شادمانی وسرور همیشه از جایگاه خاص برخوردار بوده ورسوم ورواج دیرینه وپارینهٔ که قدا مت وسوابقش سینه به سینه ونسل به نسل بحیث الگوی همبستگی منتقل شده و در خاطره ها وجبین تاریخی حفظ شده وآنرا سمبول سفیدی برعلیه سیاهی تلقی مینمایند، وهکذا چیره شدن خوبی بر بدی قلمداد میگردد وشگون آن فال نیک پنداشته میشود.

درافسانه های اساطیری، نوروز سالگرد خلق طبیعت انگاشته شده وماه حمل عروس ماه هاشمرده می شود. بعد از ظهور اسلام عزیز، در سال ۳۹۲ ه ق بدستور جلال الدین ملکشاه سلجوقی، بخاطری که نوروز در برج حمل ثابت بماند که باسپری شدن هر چهار سال، که ۳۶۵ روز محاسبه میگردد، به سببی که ۶ ساعت آن هم حساب گردد، لذا هر ۶ ساعت هرسه سال ر ا چهار سال بعد یک روز اضافه میسازند وهر چهار سال بعد۳۶۶ روز میشود که بادر نظر داشت همان ۶ساعت به تقویم جلالی هم مشهور ومعروف شده وامسال هم سالی است که زمستان مان یک روز زیاد ترمی باشد، که ان شاءالله دیر آید وبخیر بهار درست آید وسالی که نیکو باشد وسال کار ومبارست و راستی ودرستی وسال حق خواستن وحق گفتن ! باید گفت حق خواستن وگفتن تعصب نیست، بلی ! دستور آفریدگار است.

همه ساله اول ماه می روز جهانی کار گر میباشد، ولی زمینهٔ کار وشد یار از اول حمل شروع میشود، هر چند کار را کارفرمایی کند وبهمین خاطر همواره می گویم حکومت کاری، نه حکومت قومی، تا کارهایی شود کارستان، اما همیشه آمارهای کم کاری وبیکاری واشتغال زدایی از طرف موسسات بین المللی اخبار میگردد. چنانچه سیگار ادارهٔ نفتیش وبازرسی ایالات متحده همواره از عدم کار وبودن فساد وانارشی والیگارش ی در کشور مان یاد نموده و بسامو سسات ونهاد های دیگر نیز بر آن صحه میگذارند، سیل سرسام آور جوانان بخاطر عدم جلب وجذب درس یستم های دولتی وقوای بشری روز تاروز به تعداد کسانی که اوطان شان راترک میکنند، افزوده وبه کشورهایی که پناهنده میشوند هم روز تاروز به قیودات شان در بخش پناهگزیان افزایش میدهند، خصوصا کشور های اروپایی که میگویند مامالیه میپردازیم وتکس مان برای مهاجران پرداخته میشود (سوسیال و ولفیر) ومصرف لاگر و...

این درحالیست که دولت افغانستان وزارت ی هم بنام وزارت مهاجرین دارد، مگر اینکه مصدر چه اقدام نیک وکار خیری گردیده باشد، درهالهٔ ابهام باقی مانده وبر میگردد به همان متعلمین ومعلمین ومکاب خیالی! معلولین ومعیوبین خیالی، بیوه های خیالی

و حتی بیکاران ومهاجران خیالی، که حتی در آمار ها کسانی که دیپورت یا واپس میشوند احصائیه دقیق وآمار ثقه اخبار نمیشود ! مهاجران نیز بانوع مشقات خودشان رابه اروپا میرسانند، قاچاقبران از آن بهره برداری میکنند، در آب ها غرق میشوند، در آنجا هم بخاطر عدم قبولی یادغدغه های اینکه برگردانده شوند، در تشویش واضطراب بسر میبرند. بسانهاد هابه خاطر قبول خواهشات خود را مینمایند، خود کشی ها یا کشیدگی هافامیلی رو به اوج است. تازه چند جوانی در اروپا به خود کشی دست زدند وباهم خانم های شان را کشتند، وباهم در شهر ها مزاحمت هایی نموده اند واولاد شان در مشکل چندزبانه وكوچ کشی ها گرفتار اند.

بهر حال طبق راپور جدید که از طرف اتحادیهٔ اروپا نشر شده که ایتالیایی ها در صدر جدول بیکارترین های آن قاره قرار دارند، یعنی ایتالیایی ها در طول عمر شان کمتر کار می کنند وكشور شان مهاجر هم چندان قبول نمی نمایند. طول عمر کاری یک فرد نمونه ایست که در چارچوب ستر اتزی کاری، ایتالوی ها کار شان توسط اتحادیه اروپا در سال جاری تعریف شده، این نمایه سال هایی را نشان میدهد که انتظار میرود یک شخص از ۱۵سالگی میتواند کار کند. قرار گزارش یوروشات، مرکز آمار اتحادیهٔ اروپا ایتالویها با ۸/۳۱، کرواتها با ۴/۳۲ ویونانیها با ۹/۳۲ سال کار در صدر کشورهایی هستند که ممکن کمترین میزان سال کاری را در طول عمر خود در میان شهروندان ۲۸ کشور عضو اتحادیهٔ اروپا انجام بدهند، ولی در مقابل، اهالی دنمارک با ۹/۳۹، هالند با ۵/۴۰ وسویدن با ۹/۴۷ سال کار سختکوش ترین اتحادیه شمرده میشوند.

طول مدت متوسط کاری در اتحادیه در سال ۲۰۱۸ ۲/۳۶ سال است. طبق آن راپور مردان در طول عمر خود ۶/۳۸ سال اوسط کاری وزنان ۷/۲۳ بوده که این گزارش در سال زمان تغییر سال وگردش زمین به دور آفتاب ارائه میشود. نوا هر جامسکی نویسندهٔ شهیر میگوید دیگر وقت آن نیست که گفته شود چطور زمین به دور چه می چرخد یاچه کسی جهان را پیدا کرده، همه میدانند ، بلکه وقت آن است که از قماش زمینیان چه کسی یا کسانی در خراب کردن زمین مشغول بوده اند وجه کسانی هم در پی زدودن عدالت !

ریچارد بینت مسئول حقوق بشر دفتر یونیمما که بخشی از نمایندگی سازمان ملل در کابل کار میکند گفت: اجرای عدالت انتقالی زمینگیر ونفسگیر شده راهی است. اودر کنفرانسی گفت که باتصویب قانون اساسی وبعد تاکیدات مکرر برای مصالحهٔ ملی واجرای عدالت انتقالی، کاریگیری عدالت انتقالی در افغانستان دشوار شده است. نظام های این دودهه واز سال ۱۳۸۱ هجری که برنامهٔ عدالت انتقالی رویکاراست، وهمواره از آن عدالت پسندان وعدالت نام آوران بحیث یک چالش و روپوش یاد میکنند، بر اساس آن برنامه همه افراد متهم به نقض قانون ونقض حقوق بشر وجرایم جنگی باید محاکمه شوند .

طبق گزارش دفتر یونیمما در ۹ماه سال گذشته ۲۵۶۳ غیر نظامی شامل ۲۶۱ زن و ۶۳۱ طفل کشته شده اند، هکذا ۵۶۷۶ غیر نظامی دیگر بشمول ۶۶۲ زن و ۱۸۳۰ کودک زخمی شده اند. ۴۱٪ مجموع تلفات بنابر همین گزارش مخالفان دولت عاملان اصل بلند رفتن تلفات ملکی درین چند ماه بوده اند. یونیمما میگوید که عامل ۶۲٪ تلفات افراد ملکی در ماه اول سال جاری، عناصر مخالف دولت بوده اند. همچنان عنعات بعضی از اهالی دهات وقصبات میلان بیشتر به طرف باسواد شدن کمتر است. واینکه دختران وزنان شان باسواد شوند نیز خیلی کم و حتی صفراست.

هنوز مردمانی هستند که نام خانم ودختران شان رابه زبان نمی آورند واز خانم شان بنام کوچ، مادر اولاد یا عیال یادمی نمایند واز دختران شان نیز بنام خواهر احمد یامحمود یاد میکنند ! تازه میاخا ن ۶۳ ساله که سه دخترش را ۱۲ تا ۱۳ کیلومتر هر روز در ولایت پکتیکا به مکتب میربد ودر کنار درب مکتب تا رخصتی دخترانش انتظار می کشد. بی بی سی در گزارشش می افزاید که میا خان میخواهد که هرسه دخترش داکتر شوند، زیرا در مربوطات قریهٔ شرنه حتی یک داکتر زن موجود نیست، حتی به قلت قابله ونرس وپرستار هم مواجه اند. از کلنیک رهنمای خانواده وبسامو سسات دیگر اصلا خبری نیست.

اجرای عدالت انتقالی در طول چند دهه فقط در سخن وشعار وکمپاین مانده و در نهاده نه سازی ومرعی الاجرا قرار گرفتن آن، دولت وملت همه می لنگند! درست است که درلنگش کارها دولتها وسایون شامل اند ولی باید گفت که دکنتاورها بلایای طبیعی نیست، آنها باهمدستی یاخاموش وکم حرکتی مردم رشد میکنند واتفاقا قربانیان خود رانیز از میان همان مردم بر میگزینند که ایشان را انتخاب کرده اند ! (ماریو باگاسی بوسا) .

این نوشته در ماه مارچ بدسترس خوانندگان عزیز وگرامی قرار میگیرد که مقارن به ۸ مارچ روز جهانی زن هم میشود. هر چند من در مطبوعات راجع به تاریخچهٔ روز جهانی زنان نوشته های شرح ومفصلی دارم که مطبوعات شاهد مدعا وگواه است، که چطور زنان خیاط در حدود یک قرن قبل از شهر نیویارک صدا بلند کرده خواهان عدالت شدند ودست به تظاهرات واعتصابات زدند تا اجورهٔ کار نورمال ۸ تا ۹ ساعت باشد، در ضمن خواهان رخصتی های حین زایمان، روزهای مریضی وضروری وغیره نیز بودند. ولی مجمع جهانی اقتصاد جهان تازه اخبار نموده که ۲۵۷ سال زمان نیاز است که معاش یادستزد زنان با مردان برابر شود !

طبق راپورهای ارائه شدهٔ جهانی، شگاف جنسیتی که توسط مجمع جهانی اقتصاد بیان شده که کشورهای آیسلند، ناروی، فنلندند، سویدن، نیکاراگوی کمترین شگاف جنسیتی را دارند. گزارش بادر نظر گرفتن چهار معیار اقتصاد، سیاست، آموزش و صحت تهیه وترتیب شده است. این مجمع سال گذشته اعلام نموده بود که زنان ۲۰۲ سال دیگر به برابری دستمزد با مردان نایل می آیند، اما این سازمان گیش رابه اصطلاح پس میگیرد ودر تازه ترین راپورش تحقق برابری حقوقی را ۵۵ سال دیگر نیز به تعویق انداخته است، که نیم قرن اضافه تر را احتوا میکند. در مجموع کم از کم دو نیم قرن دیگر به گفتهٔ وزیر مخابرات وتکنالوژی معلوماتی سابق، آقای شهزاد گل آریوبی (قه رن) همان واژهٔ قرن، که خط خودش را خوانده نوانسته بود !

راپور مجمع اقتصاد جهانی در بخش توانمند سازی سیاسی در سطح جهان گفته شگاف جنسیتی تا حدودی کاهش یافته وپیش بینی میشود تا ۹۵ سال دیگر این خلأ بطور کامل پر شود. هکذا در بخش تعلیمی این شگاف روبه کم شدن است، بطوریکه ۱۲ سال زمان برای بر طرف شدن این گاف نیاز است. در مجموع اقتصاد جهانی پیشبینی داشته که تا ۵/۹۹ سال دیگر که یک قرن میشود شگاف جنسیتی زدوده خواهد شد یا روبه کاهش خواهد رفت . طبق این راپور سهم زنان در پستهای سیاسی یاوزارتی تنها ۲۱٪ است، و ۲۵٪ کرسی های پارلمان را در اختیار دارند، که باز هم کشورهای سکانداوی پیشقدم هستند.

از سوی دیگر کشورهای سوریه، پاکستان، عراق، افغانستان، ایران ویمن در این فهرست پایین ترین رتبه هارا دارند. قابل ذکر است که ایالات متحده نسبت به سال قبل دویله و درجه سقوط داشته باشد که در رتبهٔ ۵۳ جدول قرار گرفته است.

در کشور سنگاپور خانم حلیمه یعقوب که زن مسلمان است، رئیس جمهور است که گفته برای برابری جنسیتی کار میکند. او میگوید من بندهٔ ازبندگان خداوند هستم واز خدا میترسم، هر کسی میخواهد با من برای مردم سنگاپور کار کند من بخاطر خدا، خواهر او همکار او هستم. تصمیم و هم وغم من برابری و بالابردن سطح زندگی شهروندان کشور است نه چیز دیگر. دستا وردهای دوران ریاست جمهوری او افزایش در آمد سنگاپور به دو تریلیون دالریوده و در آمد هر شهروند در سال به ۸۵ هزار دالر رسیده، پاسپورت سنگاپور رابه مثابهٔ ارزشمند ترین پاسپورت های جهان قراردادده، خطوط هوایی پاک وتیمز ومطمئن و راحت، کاهش بیکاری به یک درصد و کوشش برای صفر سازی فساد، حذف مالیات از همه محصولات، افزایش در آمد ملی به نسبت پنج تریلیون.

حلیمه یعقوب گفت در راستای تعلیم وتر بیت وگسترش زبان وادیات کشورش کار می نماید وخواهان مطالعه از مردمش شده وبرای بند وناهار هم همه کارها را برنامه ریزی نمود. است. در حالیکه کتاب وآب یکی بخاطر کم مصرفی ودیگری بخاطر مصرفی به دشواریهای بزرگ جهانی مبدل شده و هکذا برای محیط زیست ورزشش برای گرمایش زمین وچالشهای ناشی از آن طرح وبرنامه ارائه کرد، نه مثل نامزدان کشور ما که یکی رابه برنامه کی محکوم میکنند، ولی خودشان هم برنامهٔ ارائه نمی دارند، فکر میکنند در بعد امنیتی همین که دیوارها را کانکرتی کردی وبه تعداد کانکرتینر ها افزودی همین برنامهٔ امنیتی است !

ادارهٔ امور وبخش دفتر شخصی بنام فضلی در کمیتهٔ بخش (رشوت جنسی) را کار می کند، همین بخش اصلاحات کاری است که در قوای بشری واداری و دولتی خانم هارا مقرر می کنند ! یا ذغال زیر صندلی غریب را از صندلی بکش که دود میکند وبخاطر تصفیهٔ محیط زیست سالم خوب نیست ! امروز زمانی که به سوشل میدیا یا رسانهٔ مجازی، رخنما یا رخنامه می بینی ومی خوانی، برای فاتحه هالایک مینمایند وبای حرمی عکس مرده رابا زنج بسته نشر میکنند یا طفل تجاوز شده را که درد دل میکند، ناخوانده کامنت گذاشته میشود، بسیار مقبول مثل همیشه ! لهنذا خواهش میشود از کسانی که اوقات زیاد شاترا دردنیای مجازی قرار دارند وبای هر پست ومطلب هم نظریه پردازی می کنند، وهیجگاهی هم در پی رفع نقیصهٔ کار شان نشده اند ومکرر به غلطی های املا یی وانشایی می پردازند. درست است که هر کسی اشتباه میکند، اما در پی تصحیح ورفع نقیصهٔ خود می بر آیند، اما کسانی که بصورت متداوم اشتباه میکنند، باید گفت اگر یک بار اشتباه کردی این اشتباه تونیست، اما اگر این اشتباه تکرار شد، این اشتباه توست !

امروز حتی در مکاتیب رسمی دولتی و امر ونهی وفرمان هاهم همچو نقیصه ها واشتباه هادیده میشود. اگر برای بعضی شان هم گفته شود که وطندار صاحب کمال وجمال هم خود را قلند ادمی نمایی، پس تبشیه رایشتر بر فرق دانش نکوب ! واز مرکب جهل پایین شو، بعضی شان (صفحهٔ هفتم)

مریم سلیمان
مریلند
به متصدیان فرهیخته امید دل ها !
درود بشما فرهنگیان فرهیخته و عالیجنابان وارسته جناب محترم اقای کوشان صاحب و محترمه مکرمه بانو دوکتورس ثمیله جان کوشان خردمندان عالیمرتبه جریده وزین امید دلها ، گرامیان اندیشمند و غنیمت های روزگار درعصرحاضر! اجازه بدهید تا به حیث یک زن درد دیده افغان از شما شخصیتهای فرهیخته اظهار امتنان و شکران نمایم که نشریه پربهای امید دلها ها را رفیق و شفیق روز های تنهایی و مهجوری ام ساختید، واقعا امید نشریه پر افتخار در بیرون مرز است چنانچه بر همگان ثابت شده که این نشریه روزنه برای درست فهمیدن اوضاع و بسا موضوعاتی است که ما از ان بیخبریم و امید دلها کمکی است برای

بینش و نگرش همه قشرملت درد دیده افغانستان .

هرچندکه ما مردم هنوز ملت نشدیم، ولی جا دارد که از دانشمندان فروغ مند و قلمداران شهیر کشور و این جریده پیشتاز که دیکتاتوران بی ایمان و شرف باختگان و جباران را چگونونه رهنمون میشوند که چگونه و چطور میشود که ملیت های گوناگون را ملت ساخت.

جادارد که با استفاده از فرصت از صاحبان اندیشه و منادیان قلم و کلام چون شماکوشان بزرگوار، جنابان محترم داکتر صاحب حیدر خان، داکترصاحب عنایت الله خان شهرانی،جناب محترم شخصت خردمنداقای مشتاق احمدکریم نوری ، جناب محترم سیداقا هنری، جناب داکتر غلام دستگیر ، جناب محترم استاد امیرکیفی ، جناب پروفیسرعبدلواسع لطیفی، جناب محترم نصیراحمدرازی، جناب احمد سعیدی ، جناب محترم عارف منصورى ، بانوی محترمه ماری خلیلی ، بانوی محترمه نسرين گروس ، بانوی محترمه ثريا بها تشکر نمایم.

ازرسال نشریه امیدکه کلاترین تحفه برایم بودیک افغانستان سپاسگذارم همچنان تذکرداشته ایدتابنویسم وبه اداره امیددلها بفرستم .هر چند که قلم من توانایی اینرا ندارد که در مقابل شما قلمداران بزرگ ، ژورنالیستان نخبه و اهل فرهنگ قلم فرسایی کند امابحیث یک زن ، یک خواهر، یک همسر ویک مادربالاخره یک بشردردمند ورنجدیده افغانستان فقط مینویسم : بیست سال است که همه می لافندکه دست آورد های بوده است درحالیکه نبوده است !

زمامداران به تقوا اخلاق راستی، درستی و عدالت همه را یکسان دیدن ضرورت دارند ، ولی در کشور ما هنوز که هنوز است نگاه های مردانه نسبت به زنان افغان نه در کوچه و بازار و نه در دفتر و دیوان تغییر نکرده .

البته دور از مردان با شرف و با عزت و با ناموس نگاه های بعضی از مردان عادی نیست بلکه شهوانی و نفسانی و حتی غیرانسانی میباشد .تا زمانیکه دیدگاه ها ونگاه ها دربرابر زنان انسانی نشود نبایدکه به حکم شرف و وجدان واقعی هر بی ایمان از شرف و اشرف مخلوقات صحبت کند و بنویسد

خداوند دانا و بصیر است!مشروط بر آنکه متوجه شوند که چشمان با حجاب مردانه دارند و هر روز به حجاب سر زنان نمی پیچند

من تشکر میکنم از مردان با وقار و با شرف وطنم که به زنان حرمت قایلند

مثل شخصیت فرهیخته اقای کوشان و اقای کریم مشتاق نوری ژورنالیستان شهیر و توانای کشور که آقای کوشان جریده وزین وپربهایش را نوری صاحب اضافه ازصد ها مقاله در مطبوعات نوشته اند چنانچه هفته قبل جناب مشتاق نوری در برنامه وزین مسلکی وعلمی شان دریچه سخن در رابطه به روزومقام زن بحثهای جالبی داشتند و به سوالات ارادتمندان برنامه سه ساعته دریچه سخن مدبرانه ، عالمانه ، حاکمانه و مدلل و مستند جواب منطقی میداند .

امروز که دراستانه هشتم مارچ هستیم متوجه شدم که خانم ظریفه غفاری زن مبارز، تعلیمیافته و شجاع در ولایت میدان وردک به حیث شهردار مقرر شد

هرچند که شخصی حاضر نبود که انجا برود ولی خانم غفاری با دلیری و پشت کار مقام بهترین شهردار را گرفت و در میان دوازده زن برتر جهان قرار گرفت سالانه به چند تن از زنان در عرصه جهانی لقب زن شجاع داده میشود، درمراسم اهدای این جوایز که بتاریخ چهارم مارچ در وزارت خارجه امریکا برگذارشد خانم اول امریکا خانم ملانیا ترامپ اشتراک وسخرانی کرد.

وزیر خارجه امریکا اقای مایک پمپيو افتخار جایزه شجاعت را بدست آورده و همچنان خانم ملانیا ترامپ و چند تن از زنان دیگر در سالهای قبل افتخار این لقب را بدست آورده بودند .

من به حیث یک زن افغان از گرفتن لقب شجاعت به خانم ظریفه غفاری شهردار ولایت میدان وردک بخود بالیدم که زن تعلیم یافته و مبارز در رقابت ازاد شهردار مقرر شد و ریکارد شهرداری خوب را در ملک مرد سالاری و نگاه های غیر عادی کسب نمود که برای خود شان و همه زنان کشورم موفقیت خانم ظریفه غفاری را تبریک عرض میدارم .

محمد طاها کوشان
فریمونت، کالیفرنیا
چند نکتهٔ در باره روند کنونی ادامه سیاستهای جهانی آب از قوت سرچشمه روان می باشد
ملت افغانستان در کجاست؟

***** دیگو کوردیوز در کتاب □بشت پرده افغانستان□

نوشته: امریکا به تلاش های سازمان در قضیه افغانستان دلگرمی نشان نمی‌داد . به تاسی از همین سیاست، ضیالحق در پاکستان کلید کسب حمایت امریکا و تداوم آن را در جنگ می‌دیدو کمی پیش از مرگش گفته بود هدف او از جنگ در افغانستان نابودی شالوده کمونیسم و رژیم وابسته به آن است و نمی‌خواهد در همسایگی‌اش رژیم تحت نفوذ هند و شوروی را ببیند، آن هم □رژیمی که مدعی بخش‌هایی از سرزمین پاکستان باشد□.

دراین مذاکرات که دردوازده دور، هفت سال از۱۶ ماه جون (ژوئن) ۱۹۸۱ تا اپریل (آوریل) ۱۹۸۸ دوام کرد، از جانب افغانستان، شاه محمد دوست و در سه سال آخر آن عبدالوکیل،

آقای کوشان درمورد پدر کلامن جناب علامه محمدهاشم خان شایق افندی هم پرسیده بودید ، ایشان از پیشگامان علم و دانش و فرهنگ در کشور بودند نخستین عرس حضرت بیدل در کابل توسط جناب علامه هاشم خان شایق افندی برگزار شد .

شادروان و جنت مکان جناب پدر کلامن علامه هاشم خان شایق افندی در سال (۱۲۶۴هـ) مطابق (۱۸۸۶ م) در شهر مرغیلان یا مرغینان ولایت فرغانه اوزبیکستان زاده شده و مدتی بعد با خانواده به شهر بخارا امده و انجا متوطن گردید و پس از فراگیری تعلیمات ابتدایی وحفظ قرانکریم تحصیلات عالی را در رشته های علوم عربی اسلامی در مدارس معروف بخارا مدرسه معروف میرعرب که کانون مهم علمی ان زمان بشمار میرفت در انجا ادامه دادند

جناب علامه هاشم خان شایق افندی صاحب وزیر مختار و سفیر کبیر بخارا در کابل بودند و به خاطر تجاوز روسها به مملکت شان یعنی بخارا در کابل از وظیفه خود استعفا دادند و میخواستند به ترکیه بروند ولی دولت امانی از ایشان تقاضا نمودند تا در افغانستان باقی بماند. جناب افندی صاحب پذیرفند و تشکیل خانواده دادند که ثمره ازدواج ایشان دو پسر و پنج دختر است خانم ایشان با سه فرزند دلبند ایشان به رحمت حق پیوستند انا لله و انا علیه راجعون

نمونه کلام ایشان

شد بهار و باز ساغر را به ساغر میزنم

چون قدح بر دست ساقی بوسه از سر میزنم

مینگارم طرح رنگین هم خیال باغبان

بر سرپای چمن از سبزه مسطر میزنم

اشکارا میکنم هم چشمی شبنم را به باغ

خیمه خودرا به پهلوی گل تر میزنم

این بود نمونه کلام جناب هاشم خان شایق افندی و مختصر سوانح ایشان که این نوشته را به محترمه معظمه یکی ازمدرسین فعال و زحمتکش کشورم که تار تبه اول به حیث اموزگار در معارف کشور مصدر خدمات شایان شده اند و خوشبختانه در یکی از مکاتب وطن افتخار شاگردی ایشانرا دارم محترمه بی بی حاجیه هما نادره جان نوری هستند که این نوشته را برایشان اهدا مینمایم

چون سال پار که انجمن محترم شام عرفان به پاس قدردانی از شایستگی خدمات شان به وطن محفلی با شکوهی در جمع نجبگان معارف و نویسندگان شهیر دور از وطن ترتیب داده بودند و من نسبت مریضی که عاید حالم شده بود شرمنده ماندم و خدمت حضور و به دستبوسی شان رسیده نتوانستم که تا امروز عقدهٔ عدم زیارت این دوموجود گرامی که هردوشخصیت حرمت والدین معنوی را برایم دارند که دستهای پر عطوفت مادری و پدری ایشانرا میبوسم و خاک پاهایشانرا سرمه چشمانم میکنم و هنوز که هنوز است شرمنده هستم که سال پار نتوانستم در محفل دو دانشمند و خادمین واقعی کشور اشتراک نمایم اما همینکه این زوج پر افتخار و الگوی انسانیت را میشناسم برایم مایه دلخوشی و مباهات است واقعا پنجاه سال زندگی با عزت و داشتن اولادی که همه اهل خبره و قلمداران شهیر هستند .

با استفاده از وقت جا دارد از انجمن شام عرفان از محترمین اقایان جناب محترم اقبال خان ، جناب محترم اسماعیل خان و جناب محترم پوپل صاحب سپاسگذاری کنم که همیشه وقت از فرهیختگان بزرک و قلمداران نخبه یاد اوری مینمایند.

آقا کوشان و بانو کوشان اجازه بدهیدازشما فرهنگیان با درایت به حیث یک کوچک تان از نشر و تکثیر این جریده طلایی دستان تانرا بفشارم وبوسم و اظهار امتنان و شکران نمایم به امید ابادی ، ازادی و ملت شدن در کشور عزیز ما افغانستان با عرض ارادت و حرمت ، وطندار شما مریم سلیمان/

*****مارگارت تاچر، نخست وزیر پیشین بریتانیا، در سال ۱۹۸۱ طی سفری که به پاکستان داشت به اردوگاه‌های مهاجرین افغان در آن کشور رفت، کنار افغان‌های مهاجر ایستاد و اعلام کرد که تا افغان‌ها آزادی خود را نگیرند، بریتانیا آنها را تنها نخواهد گذاشت. وچنین به افغانستانی ها گفت□ تا شما آزادی تانرا بدست نیاورید، ما شب نمی خوابیم□!

وزرای خارجه، فرید ظریف و سرور یورش، معاونان وزیر خارجه و محمد نعیم رزمیار، رحیم رفعت، سرفراز مهنمند، اکبر خرد، محمد اسحق روشن‌روان و میاگل، دیپلمات‌های افغان سهم داشتند. (اما هیچ یک از افغانستانی طرف درمیدان جنگ حضور نداشت)!

عربستان سعودی می خواهد مطمئن شود که پاکستان نزدیکی خود را به عربستان بیشتر از ایران حفظ خواهد کرد.□

*****پاکستان (یا چمچه اتمی انگریز خونریز در قاره آسیا) میخواهد مطمئن شود که افغانستان نزدیکی خود را به پاکستان بیشتر از هندوستان حفظ خواهد کرد.

*****کشمیر لگدمال ارتشی های هند وپاکستان. ترکیه با سوریه و ایران عربستان ویمن و و و

□*ویلبر راس□ وزیر بازرگانی امریکا گفته بود شیوع این ویروس کشنده در چین می‌تواند برای اقتصاد امریکا خوب باشد.

*****اما بریتانیا منافع تجاری گسترده‌ای در منطقه داشت. خانم تاچر از همان اوایل دوران نخست وزیری‌اش متوجه فرصت‌های تجاری موجود در منطقه خلیج فارس شده بود. (و خر می پالید وپتر از عربستان نیافت به خروارها آهنپاره هارا چنانیکه شوروی سابق سلاح ها و تانکهای دوباره رنگ شده دوران جنگ جهانی دوم را به افغانستان فروخت) او در مذاکراتی که به امضای قرارداد فروش سلاح الیمامه منجر شد، نقش پررنگی داشت. در چارچوب این قرارداد، بریتانیا تعداد زیادی هواپیماهای جنگی به ارزش ده‌ها میلیارد دلار به عربستان سعودی فروخت.

*****واکنون هم ترامپ با استخدام دوباره خلیلزاد، غنی احمدزی کوچی، حامد کرزی و دار و دسته فاشیستی شان با شیوه های ماکیاولیستی زیر چتر اسلام و دیموکراسی گروه ضربت بنام طالبان راکه به استنادگفته های بینظیر بهتوصدراعظم فقید پاکستان همین چارکلاه ها: (بریتانیا، عربستان، امریکا و پاکستان) بنیان گذاشتند. در مرکز آسیا یعنی افغانستان برای برنامه های دراز مدت شان (برای پچنگال آوردین منابع زیر زمینی دست نخورده) در داخل کشورهای تازه آزادشده از قید و زنجیر غلامی کمونیسم شوروی بربادرفته؛ و نیز شرق میانه هیولای شیطانی را پشتیبانی و نگهداری وپرورش میدهند.

بنا به گفته حضرت اقبال (رح): پس چی باید کرد ای اقوام شرق؟ *****برداشت ها ازسایت قارسی بی بی سی لندن.(دوم فبروری ۲۰۲۰)

پروفیسور دکتر لعلزاد، مربوط شهرستان کشم استان بدخشان

چیزی که کاشته بودیم حالا درو می‌کنیم!

□ خلیل زاد کرزی را در بن تحمیل کرد و ما تحمل کردیم؛

□ خلیل زاد در قانون اساسی تمام قدرت را به کرزی داد و ما کف زدیم؛

□ کرزی طالبان را برادران ناراضی خواند و ما خاموش ماندیم؛

□ کرزی ما را خطرناک تر از طالبان خواند و ما خنده کردیم؛

□ کرزی زنگ چور نواخت و ما دهن جوال گرفتیم؛

□ کرزی طالبان را تقویه کرد و ما بلند منزل ساختیم؛

□ کرزی طالبان را گسترش داد و ما نادیده گرفتیم؛

□ کرزی فرماندهان ضد طالبی را ترور کرد و ما سکوت کردیم؛

□ کرزی در یک انتخابات گوسفندی احمدزی را به قدرت رساند و ما تسلیم شدیم؛

□ احمدزی برنامه تعادل در بمباران ها و زندان ها را شعار داد و ما نشنیدیم؛

□ احمدزی توافقنامه حکومت وحدت ملی را عملی نکرد و ما صبر ستراتژیک کردیم؛

□ احمدزی تمام ادارات دولتی را تصفیه قومی کرد و ما تقبیح کردیم؛

□ حال خلیلزاد–کرزی–احمدزی دولت را به فرزندان اصیل و برادران ناراضی خود می سپارند و ما گریه کنیم...

□ شرم آور تر از همه اینکه، تعدادی از احمدزی تقاضا دارند که در مقابل طالبان مقاومت کند و ما از او حمایت کنیم!

□ التماس تفکر... /

رحیم شنسب

دالاس ، تکزاس

ویروس کرونا

آیا ویروس کرونا یک یازده سپتمبر دیگر است ؟

تاریخچهٔ امراض ویروسی:

*****طاعون در سال ۱۳۴۷ میلادی صد میلیون انسان را در جهان به گأم مرگ فرستاد، بیشتر از سی میلیون نفر تنها در اروپا تلف شد.
*****مرض فلج اطفال ده هزار مرگ را در سال ۱۹۱۶ حادث ساخت .

*****در قرن ۱۸ در حدود ۶۰ میلیون انسان که ۸۰٪ آن کودکان بود در جهان به اثر مرض آبله (چیچک) تلف شدند.
*****در سال ۱۹۹۱ مرض وبا یا کولرا دوازده هزار انسان را به هلاکت رسانید.

*****مرض ایبولا در سال ۲۰۰۰ یکصدو شصت هزار نفر را در افریقا به مرگ سوق داد.

*****ملاریا (۵۱۵) میلیون انسان را تا کنون مصاب ساخته که ۲،۷ میلیون تلفات دارد .

*****إنفلونزا اسپانوی درسال ۱۹۱۸ بین پنجاه تا صدملیون انسان را تلف کرد.

*****ایدز از سال ۱۹۸۱ تا کنون ۲۰ میلیون نفر را تلف کرده و همین اکنون ۴۰ میلیون نفرویروس این مرض را در بدن خود دارند.

*****تب کنگو در سال ۱۹۴۴ و بعداً در سال ۱۹۶۹ که چهل فیصد مبتلایان را به مرگ سوق داده است.

*****تب ماربورگ عامل آن میمون های افریقائی بوده است .

*****تب لاسا، ویروس کشندهٔ انسان و حیوان است که هیچ نشانهٔ بیماری ندارد.

*****ویروس سارس (تنفسی) مرض ساری در سال ۲۰۰۳ در آسیا شناسائی شد و تا کنون درمانی ندارد .

*****تب ریفت و نیپا ، ویروس چیکونگونیا همچنان سندرم تب شدید که از (کنه) سرایت می کند و در جنوب شرق آسیا دیده شده و ۴۷٪ مصابین آن مرده اند .

*****ویروس زیکا ، عامل آن پشه های تب زرد آسیائی بوده و سبب نقص مادرزادی نوزادان میشود و در آمریکا دیده شده است .

*****ویروس کرونا تا کنون سبب مرگ بسیاری شده ودر همه جهان تعدادی را به کام مرگ کشانیده ومصاب شدن نزدیک دوصد هزار نفر شده ویشتر از ۶۰ میلیون انسان در کشور چین در قرنطینه بسر می برند . این ویروس سبب بسته شدن تقریبا تمامی فرودگاه های جهان در رفت و آمد با کشور های همدیگر شده راه های زمینی مسدود و در بسیاری ازکشورها تمام موزیم ها برنامه های سپورتی،رستوران‌ت ها کلب ها فروشگاه ها و مجموعهء محلات عامه مسدود شده ویا درحال انسداداست ، واردات ، صادرات وتوریزم ملتوی شده است ، قیمت نفت و شاخص های ستاک مارکیٔت یا بازار بورس در همه جا در سقوط مطلق است .
*****آیا تروریزم به ییو تروریزم ماهیت انکشافی یافته است و یا می یابد؟

آیا شما به تئوری توطئه معتقد هستید ؟

آیا بعضی ویروس ها در لابراتوار ساخته می شود؟ ،

باید عرض کرد که این ویروس در چند هزار سال می گویند موجود نبود و ساخته شده از نوع پروتین مغلقی است که تنها لابراتوارهای نظامی به هدف جنگ بیولوژیکی ممکن تولیدشده باشد زیراانفلونزای عادی ، سارس و میرز از خاندان کرونا ی ألفا است ولی گرونا ی بیتا همین کروید۱۹ است که از تکامل ودست کاری لابراتوار غرض مدیریت سیاست و اقتصاد جهان بیرون آمده است ،ازآجائیکه شناخت DNAمشخصات نژادی را نیز ممکن ساخته حتی می گویند ساختن میکروب بمنظور حمله به ریسپتور مشخص نژاد و حتی یک شخص آسان است .
گفته می شود که تاریخ امروز را باید اقلا پنجاه سال بعد به خوانش بگیرید که جریان از چه قرار بود ،ولی این ویروس هم مانند همه جانداران به تولید مثل می پردازد و در حال انتشار است و مبارزه برای بقا دارد .

بهرتر است این تیوری های توطئه را کنار بگذاریم ، این ویروس مرز نمی شناسد و در همه جهان بایدمقابلش جنگید ، من فعلا نظر توطئه را که معاون وزیر خارجهء چین و منابع ایرانی و متخصصین روسی دعوی کرده اند ،من با نداشتن علمیت درین ساحه ، این تیوری را فعلا رد می کنم و ساخته لابراتوار نمی دانم .
آیا تولید و انتشار ویروسهای کشنده برای کنترل انفجار جمعیتی و یا هم به منظور ضربهء سنگین اقتصادی به رقبا طرح شده می تواند؟

درگذشته انتشار سموم (سیاه زخم) و آبله بمنظور هراس افگنی و تهدیدانسانها

بوقوع نیبوست ؟ (در آمریکا سابقه دارد) .آیا سلاح های بیولوژیکی در پهلوی سلاح های کیمیایو منجمله گازهای تخریب سیستم عصبی إنسانها و انتشار امراض سابقهء تولید و استعمال نداشته است ؟/

عبدالحفیظ منصور

بهتر نبود بجای امریکابا استاد ربانی وقهرمان ملی صلح می کردید؟
چند نکته: صورت دیگر موافقت نامه

موافقت نامه امریکا و طالبان درقطر مسایلی را مطرح کردند؛ مسایلی چون؛

***** سر انجام طالبان پیروز شدند وامریکا را به خروج از افغانستان وادارکردند؛

***** طالبان از یک گروه دهشت افگن و تروریستی در حد یک طرف معامله با اعتبار ارتقا یافتند؛

***** طالبان راهی را دست کم برای دستیابی به بخشی از قدرت سیاسی در افغانستان باز کردند؛

***** طالبان فرصت آنرا یافتند تاپارهٔ ازاهداف شان را درافغانستان تطبیق نمایند.

اما این یک صورت مساله است، که بیشتر روزنامه نگاران از آن گزارش می دهند، در حالی که موضوع دارای صورت دیگری هم است ، که درخور توجه و دقت است. از نظر من شاید موافقت نامه امریکا با طالبان نتواند به قطع صد در صد جنگ منجر گردد، ولی به هر پیمانه که کاهش جنگ و خونریزی بیانجامد، درخور حمایت و استقبال است. تحولی را که این موافقت نامه در بینش و طرز تفکر طالبانی به ثبت میرساند چشمگیر و جدی است. این تحول از چند نکته اساسی حکایت میدارد، که عبارتند از :

***** کاهش نیرو های امریکادر افغانستان وابسته به تعهد طالبان به دولت امریکا مبنی بر عدم تهدید در آن کشور می باشد، این سخن بدین معناست که به گونهٔ گروه طالبان مسوولیت لشکر کشی درجنگ ۱۹ ساله پسین در افغانستان را پذیرفته اند.

***** گروه طالبان که روزگاری از دشمنی دایمی ٪یهود و نصارا٪ در برابر مسلمانان سخن میگفتند و هیچ چاره دربرابر آنها به جز ادامه جنگ نمی دیدند و هر راه دیگری را حرام می خواندند، اکنون به جای جنگ به مصالحه و گفتگو رو آوردند.

***** گروه طالبان با تفسیر ویژه خودشان از دوام جهاد (جنگ مسلحانه) تا قیام قیامت حرف میزدند، حالا درین موافقتنامه تعهد سپردند تا تهدیدی را متوجه امریکا نسازند. به سخن دیگر به قطع جهادمسلحانه دربرابرامریکا تصمیم اتخاذ نمودند که تغییر چشمگیری پنداشته می شود.

***** طالبان دولت ملی و ملزومات آنرا به چشم حقارت می دیدند از همین جا دولت خود را امارت نامیدند و افغانستان به پایگاه دسته های جنگجوی کشور های گوناگون کردند، این همه ازین باور سرچشمه گرفته بود.به مرز های سرزمینی اهمیت نمی دادند و به پیوند های دین نسبت به علایق هموطنی اولویت نمی دادند ، درحالی که در حال حاضر این گروه تعهد سپردند که رابطه شان را با دسته های افراطی بیرون از افغانستان قطع نموده و اجازه نمی دهند،از مناطق تحت اوامرشان در برابر امریکا و منافع آن کشور کار گرفته شود. ارتقای منافع افغانستان در مقایسه با منافع جنبش های تندرو اسلامی متعلق به سایر کشور ها در بینش طالبان انقلابی است که از رهگذر فکری سران طالبان باید به آن بپردازند و صفوف شان را به قناعت رسانند.

***** طالبان که پیوسته از اخراج کامل نیروهای امریکا وناتوحرف میزدندو جنگ خود را یک مبارزه آزادی بخش وانمود میکردند، حالا روشن شده که به حضور شماری از نیرو های امریکایی در افغانستان توافق کرده اند.

افزون بر آن سران طالبان با هوشمندی دریافته اند که برای بقای (دولت) در افغانستان مساعدت های امریکا و متحدانش باید به این کشور ادامه یابد . ازین رو شعار های دشمنی با یهود و نصارا را کنار نهاده و به ضرورت دوام این کمک ها به افغانستان پا میفشارند.

***** طالبان حتا در آغاز رهبران جهادی را به اتهام فساد می نواختند پسان هر گروه افراطی دیگر تنها دسته کوچک خود شان را شایسته رهبری و فرمانروای می دانستند، حالا در جای رسیدند تعهد دارند که حکومتی که هم در آن سکولار است، هم دیندار، هم بی دین است، هم مجاهد ، هم غرب زده، هم شرق زده، سهمیم شوند و کار مشترکی را آغاز نمایند.

در یک کلام، طالبان پس از امضای موافقت نامه با امریکا، آن گروه دیروزی با آن ایدولوژی خاص خویش نیستند، بل یک دسته سیاسی اند که به هر وسیله در پی دسترسی به قدرت سیاسی دنبال می دارند.

***** بگذریم ازینکه طالبان درسالهای پسین به تکرارگفته اندکه دیگر آن طالبان گذشته نیستند و نظر شان در موارد زیادی از جمله حقوق زنان ، رسانه ها و تعامل با کشورها بهبود یافته است .

این سنت تاریخ است ، که معلم روزگار به انسان می آموزد، برای کسانی با نرمی و ملایمت و برای شماری هم با تندی و درشتی.

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۰)دالر= یکسال(۸۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۴۵) دالر = یکسال (۹۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه(۵۰) دالر= یکسال (۱۰۰)دالر

Omaid Weekly
12286 Ashmont Ct #202
Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.
Tel/Fax : (703) 491-6321
Email: mkqawi471@gmail.com

پاسداشت زبان مادری

ملیت وتابعتیت راهم مغالطه میکنند، نمی دانندکه تابعیت

باترک تابعیت فسخ میشود اماملیت ازین رفتنی نیست وباخون عجین است.
ملیت یک رابطهٔ ریشه یی ومعنوی است، اما تابعیت رابطهٔ حقوقی وسیاسی میباشد. تازه هم عنوان سوشل میدیا مورد نقد و تبصره هافرارگرفته، درمکتوبی رسمی نوشته شد: «معاونی ریاستی مراقبتی وزارتى امورى داخله !»که دراصل باید «معاون ریاست مراقبت وزارت امور داخله »می بود.

البته بایدگفت فرضا برنامهٔ تلویزیونی من (دریچۀ سخن) است گاهی عزیزان حمزهٔ مضاف الیه می دادند، یا در (دریای کنر) کاکامراد داکترناکامورا مجراهایی ایجادکرد وولایت همیشه بهار(ی) (ء) ننگرهار وشهرجلال آباد را به شکوفایی اش افزود وامثال آن. اما (وزیری وزارتى ترانسپورتى) همه اش تصحیح کار دارد بشمول ترانسپورت که باید (حمل ونقل وراه وترابری) شود یا معین ی توریسمی وزارتى اطلاعاتى فرهنگى) (توریسم، معین گردشگرى) به همین خاطر(معین جوانان) وزارت اطلاعات وفرهنگ به قول خودشان (معینى جوانانى وزارتى اطلاعاتى کلتورى) شخص معین قبلى آقای تیمور شاه اسحاق زى گفته بود «افغان يو، مسلمان يو بيا انسان يو ! «ومعین بعدى جوانان آقای کمال سادات همان وزارت گفت بود «انتخابات افغانستان و رئیس جمهورشدن آقای اشرف غنى احمدزى، یکى از الگوترين وپاک ترين انتخابات جهان محسوب میگردد. !!! »

به هرحال من منحیت روزنامه نگار وژورنالیست حرفوی کشورم به قول استاد گرامی استادسراهنگ که ارسطو به افلاطون که استادش بود میگفت من شما را دوست دارم اما حقیقت را بیشترازشما دوست دارم. استاد پوهاند هاله می گفتند شما ژورنالیستان اگرسکوت هم میکنید باید نگاه های تان سیاست کند و وضاحت تان هم باتمکین واستغنا وجسارت توأم باشد.)/(دنباله دارد)

آنچه معلم تاریخ به طالبان آموخت بسیار زجر آور و مصیبت بار بود. بدون تردید بزودی سران این دسته به درون خود مراجعه کرده از خود خواهند پرسید، پس ازین همه چه بدست آوردند؟ مگر نیکو نبود که، با ربانی و مسعود به آشتی میپرداختند و دست همکاری میدادند؟مگر بهترنبود این همه افغانستان را به خون تر نمی کردند، و مصایب عظیمی نمی آفریدند و اسباب ویرانی، کشتار و دربدری بیشتر مردم را فراهم نمیکردند؟مگر خوب نبود که زمینه لشکرکشی امریکا را به افغانستان فراهم نمیکردند، و این همه درد و عذاب را برای خود و دیگران نمی افریدند؟

مگر درست تر نبود که سال ها پیش به ندای صلح و آشتی دولت افغانستان لبیک می گفتند و از کشتار بیشتر بیگناهان جلوگیری می کردند؟

سر انجام امروز در جایی رسیده اند، که سال ها قبل می توانستند به آن دست یابند، با این تفاوت که مادران فراوانی به ماتم فرزندان شان نشسته و افغانستان بیشتر از هر زمان دیگری ویران و نیاز مند کمک بیگانه ها شده است. به این ضرب المثل سخن خود را پایان میدهیم:

جلو زیان هر وقت گرفته شود، فایده است./

گلستان سعدی ازباب هفتم درتأثیر تربیت

یکی را از وزرا پسری کودن بود. پیش یکی از دانشمندان فرستاد که مر این را تربیتی می کن مگر که عاقل شود. روزگاری تعلیم کردش و مؤثر نبود. پیش پدرش کس فرستاد که این عاقل نمی‌باشد و مرا دیوانه کرد.

چون بود اصل گوهری قابل تربیت را در او اثر باشد

هیچ صیقل نکو نداند کرد آهنی را که بدگهر باشد

سگ به دریای هفتگانه بشوی که چو تر شد پلیدتر باشد

خر عیسی گرش به مکه برند چون بیاید هنوز خر باشد

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند یک نسخهٔ آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند :
Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

Maids Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 28, Issue No. 1068, MARCH 21, 2020, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel :(703) 491-6321 Email : mkqawi471@gmail.com

خاطرات استادان وشاگردان

لیسهٔ عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه وخاطرات استادان و شاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه همراه باعکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاًهرچه زود ترشرح حال وسرگذشت وخاطرات خودرا به آدرس هفته نامهٔ امید ویا ایمیل ذیل تاآخرماه دسمبر ۲۰۱۹ ارسال دارند. تلفون ۰۵۱-۴۳۵-۴۶۰۴ _mkqawi471@gmail.com
12286 Ashmont Ct #202. Woodbridge
VA 22192—7075 U. S. A.

تشابهات میان دو احمدزی

حکومت های افغانستان به شمول حکومت خلق و پرچم و حکومت ربانی قربانی موقعیت ژيوپلیتیک افغانستان هستند که از قرن هیجدهم مردم افغانستان در میان دو قدرت انگلیس و روسیه گیر افتاده اند. در قضیه افغانستان در یک مرتبه نهایی حاکمان میدان امریکا و غرب و روسیه هستند که در یک تنش اکونومیک -ژيوپلیتیک-استراتژیک در جنوب آسیا و آسیای میانه باهم دیگر شاخ به شاخ شده اند

هیچ کس به یقین نمی داند که ترامپ چه در کله دارد. ولی چیزی که روشن است ترامپ به این زودی ها قصد بیرون رفتن از جنوب آسیا را در سر ندارد و این که در جامعه افغانستان تغییر کرده امروز جای برای حاکمیت ملایان بی سواد و بی خبر از علم واقتصاد و تجارت و فرهنگ و بی خبر از رموز حکومتداری و حقوق شهروندی و عقلانیت جهان معاصر، نیست. نفرت مردمی از پاکستان و طالبان فضای سیاسی و اجتماعی کشورمان را به شدت ضدطالبانی ساخته است. پاکستان بار دیگر درس های تاریخی از مردم آزاده کشورمان خواهند آموخت. (شبکهٔ اطلاع رسانی افغانستان)

خصومت کرزی و احمدزی

وافسران قوای مسلح رابه اندازهٔ مساعدساخت که بیش ازیک صد هزار عسکرشهاد شده اند وبیشترشان دربرخورد رویاروی نه ، بلکه درمحاصره از نداشتن اسلحه، آذوقه وحتی نداشتن آب، نرسیدن کمک برای تخلیهٔ زخمی ها ازمین رفته اند . این احمدزی هست که زمینهٔ ایجاددوبارهٔ دولت طالبان را درداخل کشور وانهم درمنطقهٔ تاجیک هاو ازبک ها فراهم کرد. او یکی از هم اندیشان خود بنام گلاب منگل را که یک متعصب قومگرا وقبیله گرای دوآتشه هست به دهنهٔ غوری فرستاد تا باطالبان معاهدهٔ جابجا شدن و مستقل بودن آنها را درآنجا امضا بدارد وبرخلاف خواستههای مردم آن منطقه طالبان را که دشمن آن مردم هستند مسلط سازد. به اساس این معاهدهٔ ننگین طالبان درآن منطقه استقلال عام وتام یافتند وعساکراردوی کشورحق ندارند که برآنان حمله نمایند. ایشان قواعدغیر انسانی خودرا براهالی منطقه تحمیل می نمایند، ازمردم باج میگیرند وجوانان آنها را به کارهای شاقه وخطرناک می گمارند. امور اداری وقضایی آن منطقه را دردست دارند. درواقع این معاهدهٔ ننگین دولتی رادرمیان دولت دیگر برخلاف خواست مردم بومی آن بوجودآورده است. طالبان بیرق های سفیدی را درآنجا بلندکرده وآن منطقه رابه یک مرکزبزرگ اکمالاتی نظامی وحربی خود تبدیل نموده اند.

باشندگان اصیل دهنهٔ غوری دروقت امضای این معاهدهٔ ننگین هرچه داد وفریاد زدندکه ماطالبان را نی خواهیم که درمنطقهٔ ماجا گیرند، کسی به آنها اعتنایی نکرد ودولت اشرف احمدزی صدای آنهارا خفه ساخت ودشمن را بالای شان مسلط نمود. بعدازامضای این معاهدهٔ ننگین جنگ به شدت درسراسر ولایات شمال گسترش یافت وطالبان ازآنجا به تمام آن ولایات افراد جنگی ومهمات واسلحه وافراد انتحاری ارسال میدارند. شاهدان عینی میگویندکه شب وروز هلیکوپتر های بی نام ونشان درآن منطقه نشست و برخاست می نمایند، اسلحه، مهمات، موادغذایی ومحروفاتی وجنگجویان تازه نفس طالبان رامی آورند و زخمی های شان راانتقال میدهند.

این معاهده راکه غنی احمدزی به هدایت بیگانگان امضاکرد، یکباردیگر خاطرات وطفروشان وخابینیی راکه معاهدات ننگین گندمک و دیورند را امضا نموده بودند تازه ساخت وخوداحمی زی افتخارشمولیت درلیست وطن فروشان دون همت، خاین وغلامان بیگانگان چون امیردوست محمدخان، سلطان محمدخان طلایی، محمدگل خان مومند، صالح محمدخان ونادر غدار را کمایی نمود. مردم افغانستان یکبار دیگرشاهد یک زمامدارخاین، وطنفروش، جاسوس معامله گر ومزدور صفت میباشدکه باامضای معاهدهٔ دهنهٔ غوری لکهٔ دیگری درتاریخ وطن گذاشت تانسל های بعدی به اونفرین ولعنت بفرستند. (دنباله دارد)

میتوان هسته های مقاومت ملی را در این بلاد شکل داد و

سرنوشت وطن را بدست مردم رقم زد./

زدایی میان اراگ و سپیدار شک کرد و به عجز و ناتوانی امریکاپیرامون این بحران دست کاری شده و خود انگيخته که حاکمیت و جغرافیای افغانستان را به نشانه بسته است،باور کرد؟ خلیلزادتحت ترفند های عوام‌فریبانه در یک بازی دیگر مصرا نه تلاش دارد تا بدون توجه به تعهدات طالبان، پنج هزار زندانی طالب را از حبس رها نماید.

این تلاشها و فشار ها زمانی شدت می یابد که طالبان در هوا و اتمسفر توافقات صلح امریکا، افغانستان را به مسلخگاه خونین درآورده و روزانه ده ها افسر و سرباز مدافع وطن را قساوتمندانه ذبح مینمایند.

جنایت اخیر قتل ۲۵ سرباز اردوی ملی توسط طالبان در ولایت زابل بار دیگر بر اصل آشتی ناپذیری طالبان صحه گذاشت و از پسمنظر سناریوی خونین طالبان در کسوت صلح پرده برداشت. ناگفته پیداست که هنوز طالبان برطبق مفاد موافقتنامه صلح کذایی امریکایی چراغ سبز کاهش تشنج را به نمایش گذاشته و میخواهند با سیمای صیقل یافته جامعه جهانی را به اغوا درآورده از اینطریق به کلید اقتدار سیاسی آینده افغانستان دست یافته وبه لطف امریکا امارت اسلامی را در افغانستان استقرار بخشند.باتوجه به سطح جنایات خونین آنها،داوری در مورد پسمنظر ماهیت انسانی نظام امارتی طالبان چندان دشوار نیست و آنها مصمم اند تا برحسب نقشه اسلام آباد، افغانستان را به دوره صیقل سنگ برگردانند.

حضور حدود یازده هزار زندانی طالبان در زندانهای افغانستان، یکی از نقاط ضعف طالبان دربرابردولت پنداشته میشود. امریکا ونماینده آن خلیلزاددیوانه وار در تلاش است تا از یکسو، با رهایی طالبان از زندان، برین ضعف خاتمه داده و از سوی دیگر با نیروی کار آزموده و تازه نفس، جبهات طالبان را اکمال نموده و برتری قاطع آنها را در میدان نبرد ضمانت نمایند.

اصلی ترین راهکار سیاسی امریکا در افغانستان که محصول تبانی سیاسی با پاکستان است عبارت از متلاشی نمودن همه هسته های قدرت های بازدارنده در برابر پروژه طالبان و هموار سازی جاده برای تاسیس نظام طالبانی در افغانستان است.

استراتژی امریکا برای تامین اقتدار سیاسی طالبان در افغانستان در گام نخست گزینش نرم افزار های سیاسی و راهکار های مسالمت آمیز و تدریجی نردبان قدرت سیاسی در افغانستان و در گام بعدی کاربرد روشهای خشن و خونین استبدادی در افغانستان است. برحسب برنامه های استراتژیک پاکستان، طالبان همه مرز های قومی را درهم شکسته و افغانستان را به صوبه پنجم پاکستان و عمق استراتژیک آن کشور مبدل خواهد نمود.

امریکا تاحال با مهارت ویژه توانسته تمام ستون های مردمی دولت را درهم شکسته و چندین جزیرهٔ قدرت را در افغانستان بنا نماید. پاکستان بخشی اعظم از رهبران سیاسی را بطرز سحر آمیزی افسون ساخته و راه آشتی با طالبان را هموار ساخته است. البته آشتی که معیادگاه آن از کسب اقتدار طالبان دور نخواهد رفت و با حلقه های دار این بازیگران ساده باور به پایان خونین خاتمه خواهد یافت.

دردمندانه نه تنها دولت نیابتی با ترفند های متعدد درخط راهبردی اهداف امریکا و پاکستان در راستای هموار سازی جاده قدرت برای طالبان آشکارا به پیش میرود، بل نیروی مطرح اپوزیسیون دولت نیز در ین مسابقه جان فشانی داشته و مسابقات شدید میان دولت و اپوزسیون مطرح در سمت یاری باطالبان و برقراری نظام امارتی در چرخش است.

اینجا یک ملت، یک سرزمین و یک نظام سیاسی به گروگان گرفته شده است و این مردمان اسیر و بی برنامه اند که ساده باورانه و ناخواسته به لوکوموتیو این پروژه مبدل شده و این ماشین را در دو خط و یک مسیر به جلو می برند.

افغانستان فرصتهای کم اما پتانسیل بزرگ برای دفاع دارد. بایداین کشوررا از کام اژدهای قرن بیرون ساخت و مقدرات سیاسی آنرا بدستان مردم رقم زد.

نسل نوین و آگاه در میدان حضور دارند، آنها به یک قطب‌نمای سیاسی و بسیج عمومی در چوکات یک جبهه گسترده نیاز دارند، باید از همین اکنون مقدمات رستاخیز ملی را پدید آورد.

عارف عرفان لندن، انگلستان

خلیلزاد ویروس مهلک تر از کرونا

اینجا یک ملت، یک سرزمین و یک نظام به گروگان گرفته شده و این مردمان اسیر و بی برنامه اند که ساده باورانه و ناخواسته به لوکوموتیو این پروژه مبدل شده و این ماشین را در دو خط و یک مسیر به جلو می برند

جهان بشریت در اوج اعتلای تمدن و رشد فناوری بهداشتی ودرمانی آشکارا عجز و ناتوانی خود را در برابر پاندیمی ویروس کرونا به نمایش گذاشت. با وجود همه گیرشدن این ویروس و پیامد مرگ و میر انسانی، بهم خوردن چرخ اقتصادی جهان و پروسه قرنطینه در گستره وسیع سیاره ما که وحشت بی‌سابقه تاریخی را بر زمین چیره ساخته است، بشریت از دریچه امید به پس منظر این هیولای تاریخی نگاه نموده و امیدوارند که در این پیکار لاجرم علم پیروز شده و ویروس کرونا را روانه گورستان تاریخ نمایند.

مجموع تلفات ویروس کرونا تاحال بالغ بر هشت هزار نفر در جهان بوده و حدود دوصد هزار نفر با این مرض مصاب گردیده اند.

اما در این سوی از تاریکی های جغرافیای جهان، در افغانستان، جای که آمریکا طی چهل سال اخیر برای تحقق اهداف راهبردی اش در آن می جنگد، خلیلزاد که تداوم وظیفه بنین سیوان رابرای فروپاشی وسقوط حاکمیت افغانستان و ماموریت استقرار سیاه ترین رژیم را در پهنای جغرافیای افغانستان بدوش گرفته است، سناریوی مهلک تر از ویروس کرونا را روی دست دارد.

چهل سال است که امریکا تحت سناریو های مختلف، گلوی افغانستان را می‌فشارد و انرا خفه نموده است.

زلمی خلیلزاد در عنفوان جوانی مصاحب و راهگشای رهبران جهاد، طالبان و گروه حقانی در کاخ سفید بود. او را میتوان بعد از بریژنسکی مشاور امنیت کاخ سفید، نظریه پرداز و مهندس مداخلات و تجاوزات امریکا، طراح اشغال افغانستان به دست امریکا و متفکر اصلی توافقات بن و سناریست بحران سازی افغانستان برشمرد.

باتوجه به کارنامه های سیاسی خلیلزاد در آفرینش بحران های بزرگ در افغانستان هرگاه ادعای برخی رسانه های جهانی را در مورد نقش امریکا برای تولید ویروس جدید کرونا بپذیریم، در آن صورت میتوان ادغان نمود که تاحال مریکا به تولید دونوع ویروس کرونا اقدام نموده و سطح آفات وزیانهای خلیلزاد برای افغانستان بیشتر خواهد بود.

ساده باوران، شاکي اند که امریکا در دهه هشتاد افغانستان را به حال خودش رها کرد، یعنی از مداخله دست کشید. اما تاریخ گواه است که بعد از ماه جولای ۱۹۷۹ امریکا مستدام در افغانستان حضور داشته و بهترین دوران گویا عدم مداخله خویش را در امور افغانستان، در ایجاد پروژه طالبان سپری نمود.

یکی از کشنده ترین و مرگبار ترین میراث خلیلزاد در افغانستان، عبارت از توافقنامه صلح دوحه باطالبان است. به گفته دانشمندان، حد اعظمی پایش و دوام ویروس کرونا در جهان و افغانستان ممکن بیش از دوسال نباشد، اما اثرات مدهش موافقتنامه امریکا باطالبان که در غیاب مردم افغانستان تحت مدیریت خلیلزاد بعمل آمده است، ممکن است بیش از یک قرن افغانستان را به عقب کشیده و لاقل نیم قرن تاثیرات ویرانگرانه آن برحامعه افغانستان باقی گذاشته شود. درتوافقتنامه صلح امریکا و طالبان و در اصل در چوکات تعاملات و تبانی امریکا با پاکستان و محتوای محرم این توافقنامه، استقرار امارت اسلامی بوسیله طالبان و دگرگونی های جغرافیای سیاسی کشور توام با ضمانت اهداف استراتژیک امریکا تضمین شده است.

ظهور بحران موجود حول نتایج انتخابات ریاست جمهوری و استقرار حکومت موازی در کشور نشان میدهد، که همهٔ این ماجراها دستپخت اجتناب ناپذیر سناریوی امریکا برای برهم زدن اتحاد ملی، تضعیف نیروی دولت و جامعه، انهدام هسته های بازدارنده قدرت برای ورود پروژه طالبان و هموار سازی جاده برای نظام امارتی در افغانستان است.

چگونه میتوان در نقش نیرومند و معجزه آسای امریکا در امرتنش